



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی جعل السواک من بین المصلین به و مضافاً لنفسه بمطهره نفوس المستأثمین
 و الصلوة علی من امر به عند کل صلوة للمصلین به و ضاعفت درجۃ صلوة المتساک
 علی غیره بسبعین به و علی آله و اصحابہ الذین اهتموا بامثال اداء امر الله
 و رسوله الامین به حتی انهم جعلوا اسو کتہم فی الاذان موضع التسلم
 من الکاتبین به اما بعد غافل از کار بندہ گنہ گار محتاج رحمت غفار
 از کردہ خویش نادوم و شرمسار زلہ ربای نامندہ علمای ذوی الاعتبار
 خوشہ چین خرم فضلای روزگار سرد رویی دست و پا آوارہ باد و بیچہرانی
 نابلد کہ پیختہ انی پر از سیات تنی از حسنات محمد شولت علی بن شیخ مستطی
 بن شیخ منصب علی سند علی عفا الله عنہم و بنہم الخفی و الجلی بر تہمیر مہر تنویر علما تحریر

منکشف میگردد آنکه سواک یکی از فطرت‌های دین‌تین و منتهای انبیا و مرسلین است حضرت
سید البشر شفیع روز محشر در ماده سواک تاکیدیکه بکار برده و بمبالغه که از حد گذرانیده
دلیل عظمت شان و برهان بر رفعت مکان اوست درین جزو زمان و طرف
دوران اکثری از انبای روزگار و بسیاری از مسلمانان دیار و امصار ترک این
سنت سنیه حضرت خیر البریه میکنند و از فوز این نعمت عظمی دست بجرمان می زنند
با وجودیکه احرار این ثواب و در زمان قلیلی بل آنی با عانت بچوبی و تحریک سنی جهان
و جمعی حاصل می شود لکن از کسالت نفس کامل و سهولت طبع غافل بسبب جهل از فضیلت
مسواک یا وقوع غفلت مستاک از فوز این سعادت عظمی فنیل این نعمت کبری
حرمانی رو میدهند و چون عمل بر مسواک موقوف بر علم نیست که در باره فضائل فوائده
مسواک و بمقدمه بمبالغه استیلاک از کاف و ما ارسلاک مروی شن و آن
علم اگر چه از دیدن روایات و اخباریکه در کتب سنت نبویه و عبادتیه بر فقیه منقول
گردیده حاصل می شود اما کتابی یا رساله مختص که در باب مسواک حاوی
مسائل متفق و مختلفه باشد و جمع دلائل مذاهب متبوعه کند و احاطه اخبار
و آثار نماید و منافع و فوائد را فراگیر و یافته نشدند این رساله مختصه که مسائل متعلقه
مسواک اوفی و دلائل مذاهب مختلفه فقهارا کافی است موسوم به غایۃ الادراک
فی مسائل السواک بقاالتالیف در آوردم و بسک ترخیص و کشیدم و این عباله
نافعه و قراضه ساطعه است و چند اراکات گردانیدم خداوند عز و اسم تعالی جل شان
مقبول فرموده برادران دینی و خلایان ایمانی را انفع عاجل بخشد و مولف
را ثواب آجل کرامت فرماید انه بالا جابه تدیر و بانجلاح السؤل جدید

از ماک اول و تحقیق معنی سواک بدان که سواک بالکسر و معنی وارد اول است
 بمعنی چوبی که بدان دندان مالیده شوند و دوم مصدر است بمعنی کردن سواک و سواک
 مراد است سواک است بمعنی اول فی النهایة الاثریة السواک بالکسر سواک مایه لک به الانسان
 من الیعدان فی امداد الفتاح شرح نور الایضاح و نجاة الارواح و السواک بکسر السین اسم للاستیاء
 و العود الذی یستاک به ایضا و سواک بمعنی اول مذکور است کما فی شرح المسلم للنووی و کذا بنی شرح
 هدایه میگوید که بدین معنی مذکور و مؤنث هر دو آورده میشود و صاحب حکم نیز حکم بجز از تکریر تأیید او کرده
 و تأیید میگوید که عرب سواک را مؤنث همی آرند و از هر یکی که از علمای لغت است گفته که این قول است
 را از جمله اغالیط قبیحه او ثوان شمر و معنی اول مراد اهل لغت است و معنی ثانی یعنی استعمال چوب
 و مانند آن بدانان با صطلح فقهاست فی شرح المسلم للنووی قال اهل اللغة السواک بکسر السین
 یطبیق علی الفعل و علی العود الذی یتسوک به و هو مذکور قال الیث و توثقه العرب ایضا قال الازهر
 هذا من عدد الیث ای من اغالیطه القبیحة و ذکر صاحب الحکم انه یؤنث و یذکر و فی ایضا و هو فی
 اصطلاح العلماء استعمال عود او خود فی الانسان لیزه باصفرة و غیره باعنا و جمع سواک سواک
 بضمة یج آید مثل کتاب که جزئی کتب است و صاحب حکم می گوید که در جمع سواک سواک بضم زه جزئی است
 فی ذلک الشرح للنووی و جمع السواک سواک بضمتین کتاب و کتب ذکر صاحب الحکم انه یؤنث ایضا سواک بالکسر
 و سواک مأخوذ از ساک بمعنی ذلک است چنانچه میگویند ساک فاه یسوک او اوله بالسواک و ساک فاه
 یسوک سواک یا مأخوذ از تساوک بمعنی تماثل است چنانچه میگویند جاءت الابل تساوک ای تماثل
 هر الا که فی النهایة الاثریة و شرح المسلم للنووی و مراد از لفظ سواک که در کتب فقه مذکور است معنی
 اول است بتقدیر مضان چه نسبت فعل سواک است نه نفس سواک و یا بمعنی ثانی است بدو تقدیر
 مضان و این مناسبت است بسبب حصول مقصود بلا ارتکاب تقدیر فی ذخیره المعنی حاشیة

سواک اول در تحقیق معنی سواک

شرح الوفاية قوله والسواك وهو اذا كان بمعنى السواك الذي هو اسم للشيء المعينه للاستياك
وجب تقدير المضاف كلفظ الاستعمال مثلاً لان السنة الاستياك الذي هو استعمال السواك
لانفسه وهو ظاهر واذا كان بمعنى المصدر كما صرح في الخاتمة وغيره بالاحتياج الى شي واصلاً وهو الواجب
لان كمال عليه لفظ المصنف بحصول المقصود بلا تكلف تقدير اوراك دوم وبيان حكم مطلق
مسواك بدان كه مسواك كردن مستحبست وجميع اوقات مقيد بنيت بسببي وخصصت بوقت
از شب وروز وخصوصاً بنيت حائض وفساد وظاهر وصال وغيره صائم ونيست مسواك از خصائص وضو
و نماز بل از سنن دين است پس ابرست در آن جمله حالات مكره تا كمي گردد استحبابش باعتبار بعض اسباب
و متقصر مي شود در بعض اوقات و اين تمهيد مرويت از ابى حنيفة رحمة الله عليه في شرح المختصر لالياس
لاستياك مستحب جميع الاوقات وفي شرح الامام النووي على اسم ثم ان السواك مستحب في جميع الاوقات
في سنن الهدى ناقلاً عن صلوة السعدي وفي ظاهر الرواية انه سنة برأسه وفي البحر الرائق ليس بخصيص
لوضوء بل مستحب في موضع وفي البنائية حاشية الهداية نقلاً عن شرح الطحاوي انه سنة رطباً كان ويا ساء
بسلو لا بالاء واولا في جميع الاوقات على اي حال كان وايضاً في البنائية وقال ابو عمر وفضل السواك
جميع عليه لا اختلاف فيه واصلوة عند الجميع افضل منها بغيره وفيها ايضاً وهو اما من سنن دين
يستوي فيه كل الاحوال كما نقل ذلك عن ابى حنيفة و دليل اين تمهيد اطلاق چندا حديث اند كه در
وراك احاديث خواهند آمد بايد دانست كه نزد او و ظاهرى مسواك كردن واجبست براى نماز
بلكن اگر اثر اترك كند نماز باطل نشود و اين وجوب تخصيص پذيرد و وقتى كه جليص و هشتين متنازى گويى
طلق وجوب را شيخ ابو حامد اسفراينى امام عراقين از ونقل كرده و عدم بطولان نماز را
روزي از حكايست كرده و تخصيص بتمام تا ذى جليص عبد الوهاب شعراى نسبت باو كرده و نزد يك
محقق بن راهبينيز واجبست حتى كه اگر عذر اترك كند آن را نماز باطل گردد و في شرح اسم النور

وقد حكى الشيخ ابو حامد الاسفرائيني امام اصحابنا العراقيين عن داود الناصري انه اوجب سجدة واحدة في كل
 المارودي عن داود وقال هو عنده واجب لو تركه لم يطل صلاته وحكي عن اسحق بن راويه انه قال
 هو واجب ان تركه لم يطل صلاته وفي ميزان الشرائع قال داود وهو واجب لاسيما ان يجي
 منه الجليل من زاد اسحق ان من تركه لم يطل صلاته ومتاخرين اصحابنا في بعض نسخ ابو حامد وغيره
 نقل وجوب الزاوي داود انكار كرهه انه وكفته انه كرهه داود است كه مساك كرون سنت مست شل عتقا
 نماز و اگر نسبت وجوب بد او صحيح هم باشد تا هم مخفى نقش من رافق اجماع بر قول مختار كه بر ان اكثر علما
 و محققان هستند مضرتي ندارد و در صحت نقل وجوب بد از اسحق زانكاري دارند في شرح السنودي على
 السلم وقد اكرا اصحابنا المتأخرون على الشيخ ابي حامد وغيره نقل الوجوب عن داود وقالوا انه شبهه بآية
 كالجاعة ولو صح إيجابه عن داود لم يضر في الفتنة في انعقاد الاجماع على المختار الذي عليه المحققون الاكثر و ان
 اسحق فلم يصح هذا الكافي منه و انما علم اوراق سوم و در بيان حكم سواك و روضه بدان كه بعض
 از علما گفته اند كه سواك در توضي سنت موكده است في الدر المختار ناقل عن البحرة و السواك سنة موكدة
 و في امداد الفتاح و السواك من سنن الوضوء بخند ناو في الكافي و السواك اى استعماله لانه عليه السلام
 و اطلب عليه و المواظبة مع الترك تدل على السنية و هذا قد تركه و في الصغيري و قد عده القدوري
 و الاكثر من سنن اسحق في هو الماصح لما ذكرنا في الشرح و في الدر المنتهى المنظوم و اسنن ابيه داود بالبرهان عليه
 الكفيع السواك له و في شرحه السبب في الطلوع و السواك له اى للوضوء فان السواك عند من
 سنن الوضوء و فيه ايضا و اما صفة فهو سنة موكدة و في سنن المهدي ناقل عن صلوة المسعودي
 بل السواك سنة الوضوء ام سنة بآية قبل هو سنة الوضوء و في الهداية و السواك لانه عليه السلام كان
 يواظب عليه و في حلية الباجي السواك اى استعماله لان السواك و السواك اسم للتجشئة المرة الثانية
 و انما ليس بتمت لانه عليه السلام كان يواظب عليه و في الاحتيا التحليل المختار و السواك له صلى الله عليه وسلم

در كافي
 و در سنن
 و در المستدرک
 و در مجمع
 و در تهذيب
 و در كنز

واطلب علیه و قال او صاتی خلیل جبریل بن السواک و فی شرح النووی علی الصحیح لم یسم ان السواک
 سنته لعین موجب فی حال من الاحوال لانی الصلوة و لانی غیر بابا جماع من یعتقد به فی الاجماع و بحجت
 این مدعا و حدیث است اول حدیثی است که روایت کردند آنرا بخاری و مسلم از ابی هریره قال قال
 رسول الله صلی الله علیه و سلم لولا ان اشیق علی امتی لامرتم بتأخیر العشاء و بالسواک عند کل صلوة یعنی
 فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم اگر نمی بودم آنکه در شقت اندازم من است خود را بر آئینه واجب
 کردم بر ایشان تاخیر کردن عشاء را و واجب میکردم سواک کردن را بنزد هر نماز و درینجا حدیثی است
 ظاهر لور و و که این تقریب غیر تام است چه مقصود سواک نزدیک وضو است و از احتیاج آن بدین
 گونه است که مراد از صلوة اینجا وضو است بدلیل آن که روایت کرد مالک و احمد و نسائی و صحیح کرد
 آنرا ابن خزیمه و حاکم و گفت حاکم که صحیح الاسناد است و بخاری روایت کرد بطریق تعلیق در
 کتاب الصوم از ابی هریره عن رسول الله صلی الله علیه و سلم قال لولا ان اشیق علی امتی لامرتم
 بالسواک مع کل وضو یعنی فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم اگر نه آنکه سختی می کردم بر امت خود
 بر آئینه امر میکردم آنها را بسواک کردن با هر وضو و در روایت ابن خزیمه و حاکم و بخاری الفاظ
 عند کل وضو است و در روایت احمد و غیره الفاظ عند کل طهور است و درین جهت نظر است
 بدین گونه که بخاری حدیث بدیلی دیگر بر بودن سواک در وضو یافته نمی شود و منتها سی و لالتسایین
 حدیث بر مذمت چه در مذمت قبح فعل حیانا کفایت کند و سنت بدون مواظبت بپایه اثبات
 نمی رسد و ازین حدیث مواظبت لازم نمی آید فی فتح القدیر و لا دلالة فی شیء علی کونه فی الوضوء
 الا بهذه وغایة ما یفید الذنب و هو لا یستلزم سوی الاستحباب و ینکفیه اذا ندب بیتی ان تعیده
 حیانا و لا سنیه و ان المواظبة و هی لیسیت بلازمة من ذلك و در جواب این نظر چنین میتوان
 گفت که بعد از وجوب مرتبه سنت مؤکده است پس هرگاه که بسبب مانعی ازین مشقت جمیع

وجوب منقطع شدن پس سفت نموده باقی خواهد ماند که انی غنیة استیسی شح منیة المصلی دوم است
 است که روایت کرده شده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدین مضمون که موأظبت بر سواک
 می فرمودند و در اینجا نیز خار خرد شده و در پاشی خاطر می خلد و آن این است که موأظبت آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم بر فعلی دلیل وجوب است پس این حدیث دلیل سفیت چگونه خواهد شد از ناخن فکر این خار خرد شده
 را به نیکو نه بر می توان آورد که موأظبت بدون ترک البته دلیل وجوب و اما مع التکرار مرة او متین
 دلیل سنیت است و اینجا موأظبت با ترک مروی شده چنانچه حدیث اعرابی دال بر آنست چه در تعلیم
 و مضمونی او تعلیم سواک منقول نگردیده و چنین موأظبت دلیل سنیت است و درین حجت هم نظرت
 به نیکو شود که در اصل موأظبت کلامی نیست بلکه کلام در موأظبت نزدیک وضو است و موأظبت بدین
 صفت ازین روایت لازم نمی آید چه این روایت دال بر طلق موأظبت است فی البنا یا شرح الهدایة
 لانه علیه السلام کان یوأظب علیه شواشی لان النبی صلی الله علیه و سلم کان یوأظب علی استعمال
 السواک والعجب من المصنف رحمه الله انه ذکر ان استعمال السواک سنة ثم اخرج علی
 ذلك یوأظبة النبی صلی الله علیه و سلم مع هذا لم يذكر شیئا من الاحادیث الدالة
 علی الموأظبة وقد علم ان موأظبة النبی صلی الله علیه و سلم علی فعل شیء دلیل
 علی الوجوب وقد اعترض عنه الشراح بان الموأظبة مع التکرار دلیل السنة و بدونه
 دلیل الوجوب وقد دل علی ترک حدیث الاعرابی لانه لم یقل میسه تعلیم السواک فلو
 کان واجبا لعلک و ازین نظر جوابی میتوان گفت بدین طریق که موأظبت نزدیک وضو هم
 از حدیث عائشة رضی الله عنها که در سلم مروی است ثابت می شود و حدیث مذکور است
 که آنحضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم سواکه و طهوره غیبتنه الله راشا ان منیة فیتسواک
 و یتوضا و یصلی یعنی عائشة رضی الله عنها می گوید که بودیم ماکه عیاشی کردیم برای رسول خدا

صلی الله علیه وسلم سواک اود آب وضوی او پس بر می آید سخت دارد خدای عزوجل
 هر قدر که میخواست آنکه بر انگیزاند او را پس سواک می فرمود و وضوی می کرد و نماز
 نمی خواند و از این حدیث صاف می تراود که عادت شریف و موافقت لطیف آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم بر سواک نزد یک وضو بود و هر چه از این الاطالوب و درین جواب
 هم نظرست چه تمیز که این عادت شریف در وضوی باشد که هنگام بیداری از خواب می کردند
 در وضوی نماز و الکلام فی الوضوء و للصلوة لا غیره فلا ثبت المدعی فی غیبة المستعمل علی ان و
 مسلم عن عایشة رضی الله عنهما کما نفع لرسول الله صلی الله علیه وسلم سواک و ظهوره
 فبینه الله ما شاء ان یبعثه فیتسوک و یتوضأ ویصلی و لیل علی انه کان ذلک و قد صلی الله
 علیه وسلم الا ان یقال کان ذلک عاده عند القیام من النوم عند کل وضو و
 بعضی دیگر از علما گفته اند که سواک در وضو مستحب است نه سنت مگر در فی المیزان المستطاب
 و من ذلک سواک قد اتفق الایمة الاربعه علی استحبابه و فی شرح المختصر
 و یتاکد الاستحباب عند التوضؤ و فی غیبة المستعمل و الصغیری و من الادب ان
 بشتاک امی یک اسنان به سواک بالکسر و هو العود الذی یتاک به کالسواک
 و فی الاختیار لتقلیل المختار و قالوا و الاصح انه مستحب و دلیل برین مدعاست
 که سنت آن را گویند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر آن موافقت
 فرموده باشند و در یک بار یاد و بار و چنین موافقت آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم بر سواک در وضو پایانه ثبوت بر سیده فی فتح القدر
 المطلوب موجب عند الوضوء و لم یسلم حدیثا صریحا و در اک
 چهارم در بیان آنکه سواک در وضو قبل از وضو است

در این چهارم در بیان آنکه سواک در وضو قبل از وضو است
 یا در این چهارم در بیان آنکه سواک در وضو قبل از وضو است

يا درميان وضوء هنگام مضمضة يعني علمای گویند که سنیت سواک پیش از وضوءست فی غنیة المستمل والصغیری قال فی الکفاة اما وقتہ یعنی فی الوضوء فکثر فی الکفاة للیسبق والوسیلة والشفا ان السواک قبل الوضوء فی اداء الفتح وقال غیر ہم قبل الوضوء فی شرح المختصر الیاس فعند بعض المشایخ یتاک فیتوضأ و فی شرح مواهب الرحمن لعبد اللطیف و فی البدائع والجنبی انه قبل الوضوء و فی فتاوی جمع البرکات و اختلف المشایخ فی محلی قبل الوضوء و فی المرقاة و فی افرواد النبا عن ابن الوضوء ایا را الی ان السواک لم یس من اجزاء الوضوء المستقلة فی اشارہ الی جواز تقدیم السواک علی الوضوء و لیس یتعین ان یکون محلی قبل المضمضة و اکثر علما میگویند که سنیت سواک وقت مضمضة است چرا که درین تکبیر نقا و طهارت است تا اینکه اگر پیش از مضمضة سواک کند کفایت از سنیت در سواک ندارد و اعاده سواک هنگام مضمضة می باید چه سنیت آن در عین مضمضة تعیین است فی العالمیة ثم وقت الاستیاک هو وقت المضمضة کذا فی البنایة و فی جامع الرموز فیتاک حاله المضمضة کذا فی البنایة و فی اداء الفتح و وقتہ عند المضمضة علی قول اکثر و فی غنیة المستمل والصغیری و فی مبسوط شیخ الاسلام و من استه حاله المضمضة ان یتاک و فی المرقاة و ان یکون حال المضمضة علیه الاکثرون و فی غنیة المستمل والصغیری و فی تحفة الفقهاء و الفقهاء استه حاله المضمضة تکبیرا لا انفار و فی کفاة ابی مسلم ان قدم السواک علی المضمضة لا یجری عن استه لانه فی حاله المضمضة و فی سراج المظالم و اما وقتہ فعند المضمضة و فی شرح الیاس علی المختصر و عند بعض یتاک حال المضمضة و فی المعین و استعمال السواک حاله المضمضة و فی حاشیة الطحطاوی

علی الدر المختار قوله عند المضمضة هو قول الأكثر وهو الاوّلی لانه اکمل للانقاء وفي شرح
 بعضه للطیف بن جمال علی مواهب الرحمن فی زیب ابی حنیفه عثمان وختلف فی وقتہ
 ففی النہایہ وفتح القدر انه عند المضمضة وفي فتاوی مجمع البرکات ناقلاً عن البرجونی
 وقیل عند المضمضة علیه اکثر من ادراک شحجم ودر بیان مقدار سواک
 باید دانست کہ مستحب آنست کہ طول مسواک مقدار یک باشت مرد و وسطبری آن مقدار
 انگشت خنصر انسان بلا گره از چوب و زخمان تلخ باشد و مسواک را از یک باشت درانه
 کنند کہ شیطان بران می نشیند و مراد اکثر شستن شیطان آنست کہ فراموشی بگرداند
 و استعمال کردن مسواک را یامی اندازد و سوسه در دل مسواک کننده خفنی نماید کہ
 و بعضی فقها شبر و خنصر مسواک کنندہ معتبرست و نزد بعضی شبر و خنصر میانہ کہ نہ زیاد
 و نہ زیادہ لاغر باشد معتبرست فی الدر المختار و کونه یقیناً مستویاً بلا عقد فی غلط خنصر
 شبر و قیہ ایضا و لا یزاد علی شبر و الا فالشیطان یرکب علیہ فی حاشیہ الطحاوی
 و الدر المختار قوله فالشیطان یرکب علیہ لعل المراد من ذلک انه ینسبہ استعمالہ
 بکسب فی شرح عمر بن محمد اسنابی علی منظومہ عثمان و ینبغی ان یکون السواک
 فی غلط الاصبع و طول الشبر من اشجار مرۃ و فی مجمع البرکات و ینبغی ان یکون
 بجر مرۃ فی غلط الاصبع و طول الشبر و فی حاشیہ الطحاوی علی الدر المختار و قوله
 غلط خنصر ای ندب کونه فی غلط خنصر و یل المراد الخنصر المستعمل و الخنصر الوسط لکن
 من فیق جدّاً و لا غلیظ جدّاً و کذا یقال نحوه فی الشبر و چون مسواک چہار انگشت
 پس مکروه است استعمال او و سزاوار آنست کہ دفن کند آنرا در زمین طاهر
 یا فی خلاصۃ الاحکام و شافعیہ جائز داشته اند استعمال مسواک کوتاہ از یک باشت

اگر شحجم در بیان مقدار سواک

و عبارت مختصر ایما بیان معنی میکند فی جامع الرموز و فیه دلالة علی انه يجوز ان يكون فیه
 من شبر كما مرج به فی کتب الشافعی و ادراک ششم و بیان کیفیت سواک
 و این ادراک یعنی بر چند تحقیقات است تحقیق اول اینکه اکثر علما گفته اند که منرا و ارات است
 که سواک کند از عرض دندان و طول دندان تا که زخمی نکند گوشت دندان و ضرر زیاده
 باشد فی البحر و یستاک عرض الاطوالا لانه یخرج لحم اللسان و فی امداد الفتح و ان یستاک
 عرض الاطوالا لئلا یضر لحم اللسان و علیه الا اکثر و فی غنیة المستمل و الصغیری و یستاک
 عرض الاطوالا ای مع عرض اللسان الذی هو طول الفم لا العکس خشية الحاق الضرر بالثة
 و فی المسراج الوبایع و یستاک عرض سنانة و هو طول الفم و فی حاشیة الطحطاوی علی الدر المختار
 و یستاک عرض الاطوالا لانه یخرج لحم اللسان و نزدیک اصحاب شافعی سواک امام الحرمین نیز
 مستحبست که سواک در عرض دندان کند نه طول آن پس اگر خلالت آن کرد و کفایت از
 سواک نخواهد کرد و مگر بکراهت و همین کراهت طولی را ملا علی قاری از علما حنفیه در مقایسه
 اختیار کرده است فی شرح النووی علی صحیح مسلم و یستحب ان یستاک عرضا
 و لا یستاک طولاً لئلا یدمی لحم سنانة فان خالف و استاک طولاً حصل السواک مع
 الکراهة و فی البیانیه و قال غیره من اصحاب یستاک عرض الاطوالا و نزدیک بعض علما
 که بمجمله آنها فتوی است منرا و ارات است که سواک کند در عرض طول هر دو و اگر
 اقتضای کند بر یکی پس عرض ولی است و همین است مذہب امام الحرمین از اصحاب
 شافعی فی البرجندی یعنی ان یستاک طولاً و عرضاً فان اقتصر علی احدیها قصر صلاً
 و فی امداد الفتح و قال الفتوری یستاک طولاً و عرضاً و فی البحر الرائق و قال الفتوری
 یستاک طولاً و عرضاً و الا اکثر علی الاول و فی بعض حواشی شرح الوفاة یستاک

ادراک ششم و بیان کیفیت سواک

كيف شار سواك كان طول الاوعضا وكذا في تهذيب الصلوة وفي البناية شرح الهداية مثال
 امام الحرمين من اصحاب الشافعي يز السواك على طول اللسان وعرضها فان اقتصر على احد
 فالعرض ولي وتز بعض علماء مثل غزنوي انست كه طول السواك كنده عرضا في حاشية
 الطحاوي وعلى الدر المختار وعن الغزنوي يترك طول الاوعضا والاكثر من على الاول تحقيق
 ثاني وبيان بديت مسواك واين تحقيق مثل برود قول مست قول اول انكته توارت
 كه شروع كرده شود ورسواك كردن اولاً از جانب ايمن بالازدندان پستريست
 بعد از ان ايسر بالاسن بعد ان ايسر اسفل باب تازه غير آب مضمضة همچنين بار دوم
 وبار سوم كن پس بالاي زبان و كام و طرف دمان بكند پس اين جمله سيزده تحريكات
 در مسواك كردن ميشوند في جامع الرموز والمراد امر السواك على ظاهر عرض السن
 الايمن الاعلى ثم الاسفل ثم الايسر كذلك ثم على وجه اللسان وكذا في تهذيب الصلوة
 وقول دوم انكته شروع كرده شود از جانب ايمن بالا پستريست از جانب ايسر بالا پستريست
 ايمن زيرين پستريست از جانب ايسر زيرين كذا في غنية المستعمل والصغيري شرح
 منية المصلي مفتاح الصلوة وفي الدر المختار واقية ثلث في الاعلى وثلث في الاسفل
 بمياه ثلثة وفي حاشيته للطحاوي قوله ثلث في الاعلى اي من فيه اليمين والاثمن
 وجه اليسار قوله ثلث في الاسفل من وجه اليمين والاثمن اليسار كذا في البحر عن شرح
 منية المصلي قوله بمياه هذه غير مياه المضمضة بل غسل السواك ثلاثا لان المضمضة في الكلام
 عليها في قوله غسل ثم وفي المرقاة ناقلا عن ابن الهمام يستحب السواك ان يكون ثلاثا
 بثلث مياه وايضا فيها ويستحب ان يبدأ بالجانب الايمن من فم عرضا وفي البحر
 ان يترك على اللسان واسفلها والحنك يبدأ من الجانب الايمن واقية ثلث في الاعلى

وثالث في الاسفل ثلث مياه وفي الزاد ويكون في الاستياك ثلث عشر تحريكاً ثلث
 في اليمين الاعلى وثلث في اليمين الاسفل وهكذا في اليمين وواحد في طرف الفم وواحد
 راس السواك الى حنكه وفي شحج المسلم للنودى ويستحب ان يمر السواك ايضا على طرف
 اسنانه وكراسى اذنه اسنه وسقف حلقه امرار الطيفا ويستحب ان يبدأ في سواكه بالبحا
 اليمين من فيه بايد دانست كه گفته در سه بار سواك كردن انست كه تثليث وترست
 و خدا و تر را دوست ميدارد و كذا في صلوة الطيبين و بعضى ميگويند كه در سواك عجين
 نيست بلكه سواك كن تا آتران كه بزوال نكست و زردى دندان اطينان قلبه
 حاصل آيد في الدنيا لا تقير في سواك يستاك الى ان طين قلبه بزرگال گفته و صغير
 حنقى نماز كه در حالت سواك كردن ظاهر و باطن و اطراف و دندان بهالذالكه في غيظه
 و اصغيري بايد دانست كه سزاوارتست كه سواك نرم معتدل بگذارد باشد زير اللسان
 سواك آسان تر در استعمال است و مراد از نرمى نرمى تمام سواك نسبت بل آن موضع
 كه بزنگام سواك كردن در دهن داخل شود في الدرر و كونه لبنا مستوياى معتدل با عقده
 و في حاشية الخطا و قوله مستوياى معتدل لا قوله بلا عقده لانه سهل في الاستعمال في فتح
 و ان يكون السواك لبنا و في حاشية الخطا و على الدرر قوله و كونه لبنا المراد به الحمل لانه
 يدخل في الفم لا كانه تحقيق سوم در كيفيات ممنوعه گرفتن سواك و اين تحقيق مشتمل است
 بر چند فوائد فائده اول آنكه ترك نكند وضع مسنون كه اين مورد با سوره شحج الدرر
 و لا يقبضه فانه مورد الباسور و في البحر الرائق و لا يقبض القبضة على السواك فان ذلك
 مورد الباسور و كذا في تهذيب الصلوة و في حاشية الخطا و على الدرر المختار
 قوله و لا يقبضه اى بيده بان يترك لياية المستوتة في مسكه فائده دوم آنكه سواك نكند

از هر دو طرف مسواک چو که این مورث کوری است فی جامع الرموز و لایستاک بطریق
 بالمسواک فانه یورث العمی فانه سبب سوم آنکه سزاوار آنست که تکبیر مسواک را که این مورث
 کوری و نسیان است فی الدرر و لایمضه فانه یورث العمی و بکذا فی جامع الرموز و تهذیب
 الصلوة و فی خلاصه الاحکام و لایمضه المسواک بالاسنان لانه یورث النسیان
 ادراک هشتم در بیان طریق گرفتن مسواک بدانکه در گرفتن مسواک
 سنت آنست که گیر و آنرا در دست راست چو که این کار از کارهای طهارت است
 اگر چه قیاس مقتضی گرفتن در دست چپست چه درین از الله قدوسست و در دست راست
 طریق گرفتن نیست که انگشت خنصر زیر مسواک و انگشت نزدیک مسواک انگشت
 وسطی و بنصبه بالای مسواک باشد و همچنین آمده است از عبد العزیز بن مسعود رضی الله عنه
 فی اعداد الفلاح و یستحب مسا که بالید الیمنی و استنه فی کیفیت اخذ ان یجعل الخنصر
 یمینک من سفلی السواک و البنصر و الوسطی و السبابة فوقه و اجعل الابهام من سفلی السواک
 و فی جامع الرموز بعد ما یجعل الابهام الیمنی و خنصره تحت السواک و البواقی فوقه فی حاشیه
 الدر المختار للطحطاوی و نقله عن النهر و یدب مسا که یمینا بان یجعل الخنصر اسفله و الابهام من
 راسه و باقی الاصابع فوقه و کذا جاعل عن ابن مسعود رضی الله عنه لانه من اعمال طهاره
 و قیاس ان فیہ از الله الاذی ان یکون بالیسری و بعضی علماء غیر اصحاب بی حنفیه و جمیع
 بسوی گرفتن مسواک بدست چپ رفته اند کذا فی حاشیه الطحطاوی علی الدرر و فاکلک
 ادراک هشتم در بیان شستن مسواک سنت آنست که اول بشوید
 مسواک را اگر خشک باشد پس مسواک کند و همچنین در انشای مسواک کردن نیز بشوید
 و همچنین بعد فراغ قبل نهادن آن پستروین بشوید فی غیثه استملی و الصغیری

مسواک کردن با این روش
 است

مسواک کردن با این روش
 است

و یسل السواک ان کان یابساً و یغسله عند الاستنیاک و عند الفراغ منه و فی المرقاة
 قال ابن حجر و یؤخذ منه ان یغسل السواک فی السواک و بعد و قبل وضعه سنة و فی سنن
 ثم یغسل فیه بعده و صاحب بنایه شاح بهایه مائل بعد م سنین شستن سواک شستن
 کما فی شرحه علی الهدایة باید دانست که حکمت و شستن سواک قبل از مسواک کردن است
 که نرم شود و دندان را از خمی نکند و نرم کردن مسواک بآب بن است یا بآب طاهر
 علیحدہ کذا فی منهاج العباد و حکمت و شستن بعد مسواک کردن برای آنست که شایطان
 بآن مسواک نکند فی جامع الرموز و اذا سنیک یغسل و الا فاشیطان یستاک به یکنی
 الی المختار پوشیده نماند که حکمت حل کردن استنیاک شایطان بر معنی حقیقی آن چهل نم
 نجیث است فی حاشیة الطحاوی علی المختار قوله و الا فاستاک الشیطان به المانع
 من حمله علی الحقیقة ای و موضع الفم نجیث و در آن نهم در اوضاع مکر و بهر سواک
 و آن چند اند از آنجمله مسواک کردن در حالت خضطیج چهل بن مورث و رازی طحال است
 فی امداد الفتح و بکرة الاستنیاک مضطجعا فانه یورث کبر الطحال فی البحر الزانق و بکرة الاستنیاک
 مضطجعا فانه یورث کبر الطحال کذا فی اشراج الوریح و کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله مسواک
 نکردن است در حالت قیام که موجب درد راخوست کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله مسواک
 نکردن است در حالت مشی که باعث درد پشت است کذا فی مفتاح الجنان و در آن نهم
 و بر بیان جاما نیکه مسواک در آنها مکر و بهر است از آنجمله مسواک
 نکردن در محافل نزدیک بر آمدن آب از حلق و درین خصوصاً و بروی علماء و بزرگان
 کذا فی اشخه اللغات و از آنجمله مسواک کردن در حمام که از آن پوی و بهر میباشند
 کذا فی اشراق الدرجات نقلا عن فوائد فیروزشاهی و کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله

اولک نمود و وضع مکر و بهر سواک

اولک نمود و بر بیان جاما نیکه مسواک نکردن در آن نهم

مسواک کردن در مسجد و فتنه گمان افتادن نف و مثل آن در آن باشد فی المرقا لا یسج
 المسجد اذا خشی نظایر شی من الیواق او نحوه و از آنجمله است مسواک کردن در فرجه چنان
 نزد خدا می بخور می شود که ذانی مفتاح الجنان آدراک یا نه و بهم در بیان
 اشبی المستحب مسواک بدانه چنانکه است مسواک ساختن از هر چوبیکه باشد لیکن مستحب است
 که مسواک از چوب درخت تلخ تر باشد چه اگر این چوبها خوش می کنند بوی دهن را قوت میدهند
 معده را و خست می کنند دندان را علی الخصوص چوب درخت پیلو که این افضل قاطع بغم
 و صاف کننده دهن و گوارد طعم است پسته بعد چوب یک چوب درخت زیتون
 مستحب و در بیان مسواک زیتون حدیثی هم آمده است که ذانی حاشیه الدرد المختار
 اللطیحاوی نقل عن الطبرانی نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة و هو سواکی و هو الکلال
 من قبلی یعنی چه خوش مسواک است زیتون از درخت برکت داده شده و این مسواک من
 انبیای پیشین من است و در اشعة المعانی است که در باب مسواک پیلو چند احادیث آمده است
 فی الصغری و قالوا و یستاک بكل عود و فی العالم کثیر یمنیغی ان یکون السواک من شجرة
 مرة لانه یطیب الفم و یشد الاسنان و یقوی المعدة و یشد الفم و یشد الاسنان و یقوی المعدة و یشد الفم
 و یمنیغی ان یکون السواک لینا فی غلظ الاصبع طول شبر مستویا قلیل الحقد من الاشجار المعروفة
 و هو الاراک لیکون اقطع للبصر و انقی للصدر و اهنی للطعام و فی غنیة المستمل الصغری
 ثم المستحب ان یکون من شجرة مرة لزيادة اثره تغیر الفم و فیها ایضا و افضل الاراک ثم الزیتون
 و فی جامع الرموز و اصله من الزیتون فان منه سواک الانبیاء کما فی الینایج و فی المرقا
 قال السنوی و یحب ان یستاک بعود من اراک فی شرج المسلم السنوی و المستحب ان یستاک
 بعود متوسط لانه یدالیس لیخرج ولا یطرب لانه یمنیغی فی شرج مسواک از چوب خوش

مسواک کردن در مسجد و فتنه گمان افتادن نف و مثل آن در آن باشد فی المرقا لا یسج

و ثبوت و اصل شوک فی جامع الرموز و من خج شب الخوخ اذ التوت و اصل الشوک کما فی صلوة
 المسح و ادراک دو از دهم در بیان اشجار مکر و همه و محرمة سواک بدانکه مکرده
 تحریریست مسواک سختن از چوب موز و انار و فی و حرامست از شئی که زهر دارد و نخواه
 چوب باشد یا غیر آن فی الدر المختار و بکره بموز و فی حاشیة الطحاوی ای تحریر اللاط
 و فیها ایضا بموز ای کالفص الفارسی و فی غنیة المستمل و الصغیری و یساک بکل عود الا ان
 و انقص فی الدر بحر مبدی سیم و فی حاشیة الطحاوی من خشب غیره و ادراک
 سیم و دهم در بیان موضع نهادن مسواک باید دانست که نهادن از دو جای
 خالی نیست یا بر بدن انسان یا غیر آن لهذا این ادراک مستحکم و فائده شد فائده اول
 سنت است که بینه مسواک را بر گوش خود و موضع نهادن قلم کاتب و حکمت در نهادن
 این موضع است که گرفتنش آسان می شود و بصاحب مسواک یاد میداند و آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مسواک خود جای نهادن قلم کاتب بر گوش می نهادند و همچنین اصحاب
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیز می نهادند و نیز در پیچ عامه نهادن سنت است چنانچه بعض
 صحابه در طی عامه خود می نهادند فی جامع الرموز و موضع سواکه صلی الله علیه و سلم از نه
 موضع القلم من اذن الکاتب اسوکه اصحابه خلفت اذانهم کما قال الحکیم الترمذی و فی
 المرقاة قال ابن حجر و حکمت فی وضعه ذلک الموضع لیسهل تناوله و یدکر صاحبیه به فیس
 و فی جامع الرموز و کان بعضهم یضع فی طی عامته فائده دوم سنن او را است که نه نه مسواک
 عرضا که این مورد جنونست بلکه انتصاب کن آثار به اعتماد چیزی و استاده کن جامع الرموز
 و لا یضع عرضا بل یغضب الا فطر الجنون و فی الدر المختار و لا یضع بل یغضب و الا فطر الجنون
 و فی حاشیة الدر المختار للطحاوی قوله بل یغضب بان یسند و معتد الی شئی و فیه

ادراک دوم در بیان اشجار مکر و همه و محرمة سواک

ادراک سیم و دهم در بیان موضع نهادن مسواک

ایضا الخطر کما فی اقاموس الشرف والسبق والاداء التانی ای یبقه الجنون لهذا الفعل ویا
 الیه آدراک چهار و دهم در بیان جواز ترک سواک بعد از باید دانست
 که منرا از نیست که ترک کند سواک را بحالتی که در حالت غدر که ترک آن در بصورت جائز
 و غدر ترک سواک نیست که بتدریج در کردن سواک فی العالمگیریه من خشی من السواک
 تحریک القی ترکه فی البحر الرائق و من خشی من السواک القی ترکه ادراک پانزدهم در بیان
 چیزیکه قائم مقام سواک میشود نزدیک غدر به آنکه جائز نیست ترک
 سواک مگر بعد از آن موجود نبودن سواک یا نبودن دندان یا ضرر رسیدن در بدن
 از سواک کنانی امداد الفتح و چیز بانیکه قائم مقام سواک میشود چند چیز است از آنجمله انگشت
 که قائم مقام سواک میشود هنگام موجود نبودن سواک ثواب سواک بدان حاصل میشود
 و اگر سواک موجود باشد در بصورت انگشت قائم مقام سواک نمی تواند شد و ثواب سواک
 نیز حاصل نخواهد شد فی الکافی و لایقوم الاصبغ مقام الخشبة حال وجود یافان لم توجد
 یقوم مقامها لانه علیه السلام فعل کذا فی الخلاصة ینال بالاصبغ ثواب السواک فی
 حاشیة الطحاوی علی الدر المختار قوله مقامه ای فی تحصیل الثواب کما فی المنه و غیره
 و فی غنیة المستمل والصغیری و لایقوم الاصبغ مقام السواک عند وجوده و انگشتی که قائم
 مقام سواک می شود انگشت شهادت و انگشت نردست رست برای جانب
 چپ انگشت شهادت و انگشت نردست چپ رست برای جانب رست فی العالمگیریه
 و لایقوم الاصبغ مقام الخشبة فان لم توجد الخشبة فیم یقوم الاصبغ من بینه مقامه
 کذا فی المحیط و الطیبة و فی حاشیة الطحاوی علی الدر المختار و الاصبغ فی الهندیه یقید لانت
 بایمنی و هذا انما یظهر من جهة الیسری فقط و کذا قال فی البحر و الافضل ان یمید بالسبابة الیسری

من

ادراک چهار و دهم

در بیان جواز

ترک سواک

پانزدهم

در بیان

چیزیکه

قائم مقام

سواک

میشود

در بیان

جائز نیست

ترک

سواک

مگر بعد

از آن

ثم یأیئنی آوای لان البسری بجمه البیئنی والبیئنی بجمه البسری وفي السراج الوهید فی الجیم
استعمل خرقة خشنة واصبغها بالبنین یمنه وولیل برین بعد عاخذ احادیث اندک در کتب
احادیث بطرق متعدد و مروی اند اول آنکه در فتح القدر و مرقات بروایت سیفی از ابن

رضی الله عنه منقول است قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یخبرنی من السواک الا صابغ
یعنی کفایت میکند از سواک انگشته و درین حدیث کلامی کرده شده که زانی الکتابین المذکورین
و دوم آنکه در ابد الفتح و شرح مختصر از شمنی و قاری بروایت طبرانی از عایشه صدیقہ

رضی الله تعالی عنہا روایت است قالت قلت یا رسول الله الرجل یندب فیه یتاک

قال نعم قلت کیف یصنع قال یخل اصبعه فی فیه یعنی گفت ام المؤمنین عایشه صدیقہ رضی

عنہا که گفت من یا رسول الله مروی که برود برین او یعنی دندان و یا گوشت دهن است

فی غنیة المستملی آیا او سواک کند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری گفت چگونه کند فرمود

داخل کند انگشت خود در دهن خود و سوم آنکه در ابد الفتح و هر دو شرح مذکور از علی

رضی الله عنه روایت است قال التثویص بالصبغة الابهام سواک یعنی شستن و پاکیزه

کردن دهن از انگشت شهادت و ابهام سواک است چهارم آنکه در بنیاد سیفی روایت

قال یا رسول الله رغبت فی السواک قبل دون ذلک من شیء قال صبیحک سواک عند

و غروبک یعنی راوی گفت یا رسول الله رغبت و آدمی باراد بر سواک کردن پس آسواک

ازین چیزی است فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم انگشت تو سواک تست نزدیک وضوئی

بیختم آنکه در هدایه روایت است انه علیه السلام فعل کذا لک یعنی کرده است آنحضرت علیه السلام

بچینین در برین حجت سواکی است که صاحب بنیاد شرح هدایه گفته که زلیعی وار کرده است

که ثابت نشده است درین باب لکن آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آنچه پایة ثبوت سید

قول آنحضرت صلی الله علیه وسلم است چنانچه از احادیث سابقه بمعینی بپایه ظهور میرسد
و جواب ادبنا بر تحقیق صاحبینا بیست است که سوک از انگشت از فعل آنحضرت صلی الله علیه
وسلم نیز ثابت شده است چنانچه در سنن احمد از علی رضی الله عنه روایت شده است
انه دعا بکون من مارقا فصل وجهه و کفیه ثلاثا و مضمض فادخل بعض اصابعه فی فیه بحديث قال
فی آخره وهو وضوء رسول الله صلی الله علیه وسلم یعنی طلب کرد علی رضی الله عنه کوزه از آب
پس شست روی خود و هر دو کت خود سه بار و مضمضه کرد پس داخل کرد در گوش انگشتان
خود در دهن خویش تا آخر حدیث و فرمود در آخر وضوء این وضوء رسول الله صلی الله علیه
وسلم است از این تشبیهات می تراود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بجای سوک داخل
انگشتان فرموده اما حکم انگشت نزد اصحاب شافعی پس اگر نرم باشد کفایت نمیکند از سوک
و اگر سخت باشد پس برین سه قول است اول اجزاء و این قول مشهور است و دوم عدم اجزاء
سوم اجزاء در صورت موجود نبودن غیر و عدم اجزاء در صورت موجود بودن غیر

فی شرح مسلم للنووی و اما الاصح فان كانت لیته لم يحصل بها السوک وان كانت
مختصة ففیها ثلاثه وجه لا صحابنا المشهور لا یجری والثانی یجری والثالث یجری ان لم
غیر ما لا یجری ان وجه و تریک بعض شافعیه انگشت غیر قائم مقام سوک میشود و اصح
مستاک قائم مقام آن نمی تواند شد و نیست این مذہب مگر حکم بحت فی غنیة المستملی و بموجب
بعض الشافعیة اصبح الغیر دون اصبح لنفسه حکم بلا دلیل و از انجمله پارچه سخت است که آن
نیز قائم مقام سوک می شود فی الذرا المختار و عند فقهه و فقه استانه لقوم الخرقه انخسنة و الا
مقامه و از انجمله است علك و صمغ و هر چیز که لزوج باشد و فنیکه بافته شود و نیست پس قائم
مقام می شود بلکه در حق زنان مستحب استعمال علك با وجود قدرت آنها بر سوک

بسبب رفت بشو آنها و برای آنکه مو نجست و مداومت بر مسواک ضعیف میکند و ندان آنها را
 بلکه بخوف سقوط دندان می باشد و عکس دندان و لثه آنها را سخت و مستحکم میکنند فی الجمله
 یقوم مقامه للمرأة لکون الموطئة علیه تضعف اسنانها فیستحب لها فعله و فی صلوة المسحود
 لا یجوز للمرأة ان یتاک و العکس قائم مقام استیاکس و کذا فی الشرح الفارسی بشرح الوقایة
 و فی امداد الفلاح و یقوم العکس مقام النساء لثه بشو تنهن و فی الدر المختار کما یقوم العکس مقامه
 للمرأة مع القدرة علیه و فی المحيط العکس للمرأة یقوم مقام السواک لانها تخاف منه سقوط
 اسنانها لانها ضعیفة و العکس یمسک الانسان و لثه اللثة و فی حاشیة الطحاوی علی
 الدر المختار یقوم مقامه ای فی الثوب اذا وجدت الثیة و انه یجمله است سعد که نوعی از گیاه است
 و از آنجمله است اشنان که آن هم از اقسام کاه است فی شرح المسلم للنووی و بای شی است
 عایز علی التفسیر حصل السواک کالخرقة الخشبة و السعد و الانسان ادراک شاز و هم
 و ربیان نیست وقت سواک سزاوار آنست که نیت کند بهنگام مسواک کردن
 بدین مضمون که طاهر کن من خود را برای خواندن قرآن و ذکر و نماز کذا فی صلوة الطحطاوی
 عن احوال علوم الدین و کذا فی مفتاح الجنان ادراک هم و ربیان و عا
 نزه ویات سواک سزاوار آنست که نزدیک مسواک کردن و عا بنحو اند و دعائی که
 در یناب دیده شدید و عبارت یافته شد اول آنکه اللهم طهر فی و نور قلبی و طهر بدنی و طهر حسنی
 علی النار و ادخلنی جنتک عبادک الصالحین کذا فی البنایه شرح اللمدة و هم آنکه اللهم احبل
 تسوکی هذا فیصل الذنوبی و مر ضاة کت یا سیدی و بعضی بهی کما تمیض به سانی کذا فی
 تنذیب الصلوة ترجمه دعا اول اینست بار خدا یا پاک کن دهن من و روشن کن دل من
 و پاک کن بدن من و پاک گردان جسم من بر آتش و در آرم بر رحمت خود و در بندگان

ادراک در وقت سواک
 و در وقت سواک

ادراک در وقت سواک
 و در وقت سواک

نیک خود و ترجمه دعای ثانی این است بار خدا یا بگردان این سواک کردن من پاکیزگی را
 من فرج خوشنودی برای تو ای سرور من و روشن کن بدان روی من چنانکه بر پیشانی
 بدان دندان من آرد آک میجد بهم در میان سواک کردن سواک عجم
 باید دانست که جائز است بلا کراهت سواک کردن بمسواک یگری و قنیکه رضای او صراحت
 یاد الله یافته شود فی شرح اسننه و لا باس ان یستاک بسواک الغیر و فی شرح اسننه
 و لا باس بهتعال سواک نخره باذنه و فی المرقاة و فیہ دلیل علی ان استعمال سواک الغیر رضا
 غیر کرده و دلیل بر اثبات این دعا و حدیث است اول حدیثی است که در مشکوٰۃ المصابیح
 بروایت ابو داؤد از حضرت ام المومنین عایشه صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا مروی شده
 قالت کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم یستاک فی طینی السواک لا یغسله فابداً فباتک ثم غمطه
 و اذفعه الیه یعنی گفت عایشه رضی اللہ عنہا که بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم که مسواک میکرد
 پس میداد مرا سواک تا بشویم آنرا پس سواک میکردم من آنرا پستری شستم آنرا و میدادم
 آنرا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و دم حدیثی است که در مشکوٰۃ المصابیح بروایت بخاری
 از عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا مروی گشته قالت ان من نعم اللہ علی ان رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم توفی فی بیثی و فی یومی وین یجری و یجری و ان اللہ جمع بین یرقی و یرقی
 عند موته دخل علی عبد الرحمن بن ابی بکر و بیده السواک انا مسنده رسول اللہ
 اللہ علیہ وسلم فرأیتہ یقطر الیه و عرفت انه یحب السواک فقلت آخذہ لک فاشا برأیہ
 ثم قننا و لفتنا علیہ و قلت الیئسہ لک فاشا برأیہ ان نعم قلینہ فامرہ و بین یدیه
 رکوة فیہا نار فجعل یدخل یدیه فی الماء فمسح بہا و وجهہ و یقول لا اله الا اللہ ان الموت
 سکران ثم نصب یدہ فجعل یقول فی الیق الا علی حتی قبض مالت یدہ یعنی بدرستی که

سواک یغسله فابداً فباتک ثم غمطه

عایشه رضی الله عنها بود که میگفت تحقیق از نعمتهای پروردگار بر من نیست که تحقیق رسول
صلی الله علیه وسلم وفات کرد و شد در خانه من و در روز فوت من و در میان سینه من
من و بدرستی که خدای عزوجل جمع کرد آب بن من و آب دهن آنحضرت صلی الله
وسلم نزدیک موت وی علیه السلام بدرستی که در آمد بر من عبد الرحمن پسر ابی بکر و بیت
او سوالی بود من نگیه کننده رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم پس بدم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را که می بیند بسوی مسواک پیش شناختم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دوست
میدارد که مسواک کند پس گفتم که گیرم آن را برای تو پس اشاره بفرمود که آری پس دم آنرا
بحضرت صلی الله علیه وسلم پس سخت آمد مسواک کردن بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتم
که نرم کنم آنرا برای تو اشاره کرد و بفرمود که آری پس نرم کردم آنرا پس گرفت آنرا پس
گذراند آنرا بر دندان و در روی آنحضرت صلی الله علیه وسلم کوزه بود که در می آورد
و استهای خود را در آب و می مالید بدان روی خود را و می گفت لا اله الا الله تحقیق
که برای موت بخینه است پس بداشت دست خود را پس شروع کرد و گفتن این کلمه
الذیق الا علی نایبک فیض کرده شد روح مبارکش و بقیاد دست او و در آب
تو زده هم در بیان آنکه مسواک ناسخ فرضیت و وضو نزدیک نماز است
بدانکه بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مأمور بوضو کردن نزدیک هر نماز خواهد وضو باشد
یا نباشد پس گاه که دشوار شد آنکاره حضرت صلی الله علیه وسلم موقوف شد فرضیت
وضو مکرر اصدت و امر کرده شد بسواک کردن نزدیک هر نماز بکذا فی شرح سفر السعاده
ناقله عن احمد و ابی داود و عن عبد الله بن عامر الغیسلی و در سند داری از عبد الله
بن عمر است قال قلت ارأیت توفض ابن عمر کل صلوٰة طاهر او غیر طاهر عمر ثلاث

و در کوزه بود این کلمه را که نایبک فیض کرده شد روح مبارکش و بقیاد دست او و در آب

قال حدثنا اسماعیل بن زید بن خطاب ان عبد الله بن خطلمة بن عامر حدثنا ان رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بالوضوء لكل صلوة طاهر او غير طاهر فمات شق ذلك عليه امر بالسواک لكل صلوة وكان ابن عمر يری ان به علی ذلك قوة فكان لا یدع الوضوء لكل صلوة ویکذا فی سنن ابی داود یعنی راوی گوید گفتیم که خبر ده که وضو کرد این عمر رضی الله عنهما برای هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر تعیم کرد این را گفت که حدیث کرد او را اسماعیل بن زید این خطاب که به تحقیق عبد الله بن خطلمة بن عامر حدیث کرد و مرا که به تحقیق رسول خدا صلی الله علیه وسلم حکم کرده شد بوضو برای هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر پس هرگاه دشوار گردید این کار بر او حکم کرده شد بر اسواک نزدیک هر نماز و بود عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می دید که در برین کار قوی است پس تک نیکر و وضو برای هر نماز او را استم و در بیان آنچه در جواب پدید شده درباره اسواک و بیان آنکه مسواک کردن محبوب زیادت علم و باعث فتح غواست پس درین باب سه حکایت نقل کرده می شوند اول حکایت روای آنحضرت صلی الله علیه وسلم است و آنرا بخاری و مسلم در صحیحین خود از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده اند ان النبی صلی الله علیه وسلم قال ارانی فی المنام السواک بسواک فجاءنی رجلان احدهما اکبر من الآخر فقلت السواک الا صغر منها فقیل لک کبر ففعلت الی الاکبر منها یعنی به تحقیق نبی صلی الله علیه وسلم فرمود که می بینم خود را در خواب که مسواک میکنم بمسواکی پس آن بزرگتر را دوش کیه یکی از آنها بزرگتر است از دیگری پس دوم مسواک بخورد و بزرگتر از آنها پس گفته شد برای من که بده آنرا به بزرگ تر پس دوم آن را به بزرگ تر از آنها دوم حکایت روای ابراهیم نخعی آنحضرت صلی الله علیه وسلم است که در منقح الجحان یابن عبارت مذکور است که خواجه ابراهیم نخعی رحمه الله علیه متهر عالم

از آنکه در بیان آنکه مسواک کردن در هر نماز واجب است و در هر نماز واجب است و در هر نماز واجب است

راضی الله علیه وسلم در خواب دید از خود بنالید که یا رسول الله چیزی میخوانم و با خود میخوانم و گفت
 رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود کجائی که خبر نداری از چند چیز اولاً آنکه اندک خوردان شب
 خست قرآن بسیار خوان و نماز بسیار گزار و برای هر نمازی طهارت ساز و مسواک کن
 ابراهیم نخعی گفت چون از خواب بیدار شدم و این وصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم
 بجا آوردم و در بیان اندک زمان مقتدای عالیمان شدم سوم حکایت روای عبد الله
 مبارک است و آن نیز در منقلح ابیحان بدین الفاظ منقول است آورده اند کشف عبد الله
 مبارک همه عمر خود را سه قسم کرده بود یکسال حج رفتی و یکسال غزا کردی و یکسال علم
 در کسب حکایت می کنند که یکسال بغزا رفتن بود و بر قلعه گبران دست نمی یافت و ران انبیه
 بن خواب رفت رسول الله صلی الله علیه وسلم را بن خواب دید منتر عالم فرمود که یا عبد الله و چه
 اندیشه گفت یا رسول الله بدین قلعه گبران دست نمی یابم رسول الله صلی الله علیه وسلم
 فرمود کجائی که خبر نداری از طهارت با مسواک عبد الله از خواب در آمد و طهارت با مسواک
 کرد و غازیان را فرمود تا همه طهارت با مسواک کردند آن دیده بانان از بالای قلعه نگاه
 کردند آن حالت را دیدند خدای عز و جل پیوستی در دل ایشان انداخت فرو آمدند و با
 امیر قلعه گفتند که جماعتی آمده اند که آدمی خواران اند دند انبیه می کنند اگر با طفر یا بند و مار
 از نهاد ما بر آید خدای تعالی خونی در دل ایشان انگند قاصدی بیرون فرستادند که از ما
 مال میخواستند یا جان عبد الله مبارک گفت نه مال میخواستیم نه جان از شما آن میخواستیم که اسلام
 آرید همه یکبار اسلام آوردند از بزرگت اقامت سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آن مسواک
 ادراک بست و یکم در اوقات مستحبه مسواک باید داشت که اوقاتیکه در آن
 مسواک کردن مستحب و سنت است بسیار اند بعضی از آنها به نسبت بعضی موه که ترازد و در آن

این حدیث در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است

آن اوقات طولى يخرجها ودين رساله مختصره كنجائش آن ندارد و لهذا حكم لا يدرك كماله الا بغير
 كنهه و يتيحه اوقات اكتفاى و زيم اول وقت وضوء تفصيل اين مقام به بطن تمام سابقا
 گذشته مشايخ الاطلاع عليه فايحج اليه في سراج انظام السواك له اى للوضوء فان السواك
 عندنا من سنن الوضوء و دوم وقت تغيير لوى و دين و اين موكله نه ست و بوى و دين مسيب
 خواب با بيدارى يا تشنگى يا بگرنگى يا بخوردن طعام بدو و در حال شده باش كذا في اشعة
 اللغات يا تغيير و دين از ترك آشاميدن آب يا طول سكوت يا كثرت كلام كباياني في كلام النووي
 في شرح المسلم سوم وقت بيدارى از خواب چهارم وقت در آمدن در خانه پنجم وقت در آمدن
 مردمان ششم وقت قراة قرآن هفتم وقت قراة حديث هشتم وقت زروى و زمان
 في امداد الفتاح و ليس السواك من خصائص الوضوء فانها يستحب في حالات منها تغيير الفم و القيام
 من النوم و الى الصلوة و دخول البيت و اجتماع الناس في قراة القرآن و الاحتياث لقول في
 ان السواك من سنن الدين و يستوى فيه الاحوال كلها و قال عليه السلام السواك مطهرة للفم
 و مرضاة للرب و في السراج الوياح و عند قراة القرآن قال صلى الله عليه وسلم طهر و اساك
 القرآن و في فتح القدير و يستحب خمسة مواضع اصفرار السن و تغيير الرائحة و القيام عند النوم
 و القيام الى الصلوة و عند الوضوء و الاستقرار في غير ما و فيما ذكرنا اول ما يدخل البيت و في
 شرح المسلم للنووي و لكن في خمسة اوقات اشده استحبابا احدا عند الصلوة سواء كان مطهرا
 بما و ادتراب او غير متطهر من لم يجد ماء و لا تربة الثانية عند الوضوء و الثالثة عند قراة القرآن
 و الرابع عند الاستيقاظ من النوم الخامس عند تغيير الفم و غيره يكون با شياء منها ترك الاكل
 و الشرب و منها اكل ماله رائحة كريهة و منها طول سكوت و منها كثرت الكلام و في البناء
 و الاستجاب يتأكد فيه عن تغيير الفم ثم وقت آغاز كلام خصوص في ثنية بعد سكوت طويل

الاتفاق کلام افتد و بهم وقت قیام به تجد یا نزد بهم وقت تغیر بوی پنج دندان دو از دهم قبل
 از غسل کذا فی منهاج العباد الی المعاد سیزدهم باین شوقه از نماز شب چهار دهم روز جمعه
 پانزدهم پیش از خواب شانزدهم بعد نماز و تره قد هم وقت سحر کذا فی البنایه شرح الهدایه
 به تجد هم هنگام قیام بسوی نماز و این استجاب نزدیک شافیه و بعضی حنفیه رحمهم الله است
 خصوصاً قبل از نماز ظهر و فجر کذا فی اشعه اللغات و فی البنایه و به شرط الوضوء و بیکار طلبه
 عند ارادة الصلوة وعند الوضوء وقراءة القرآن والاستيقاظ من النوم وعند تغیر الفم فی
 المرقاة علی التمام خاتمة نقلنا عن التتمة و یستحب لسواک عندنا عند کل صلوة و وضوء و کل
 شیء یغیر الفم عند الیقظة و فی البنایه و عند الشافعی یوسننه للقیام الی الصلوة عند الوضوء
 و عند کل حال تغیر فی الفم پوشیده نماند که بعضی از شافعی در بنیاب چنین نقل کرده اند که اگر
 مصلی محدث باشد پس این مسواک کردن از سنن صلوة خواهد بود و کذا فی سراج الاطلاق و نزد
 بعضی حنفیه سواک نزدیک نماز سنن نیست بل کرده است و برین مدعا و دلیل قائم کرده اند
 اول آنکه روایت نگردیده شد که آنحضرت صلی الله علیه و سلم سواک کرده باشد هنگام قیام
 نماز کذا فی المرقاة و دوم آنکه بسا اوقات از سواک کردن برمی آید خون و آن نجس است باجماع
 اگر چه ناقض و نه نیست نزدیک شافعی رحمه الله تعالی و فی البحر الرائق لکن قولهم یستحب الی القیام
 الی الصلوة ینافی ما نقلوه من انه عند الوضوء لا الصلوة لانه ربما خرج منه دم و هم یحبس
 بالاجماع و ان لم یکن ناقضاً عند الشافعی و ثمة خلاف ما بین ما حنفیه و شافعی و برین و صورت
 ظاهر میشود نخستین آنکه چون بخواند چند نماز بیک وضوء که در آن مسواک کرده باشد پس ا
 یکنند سنیت مسواک در هر نماز نزدیک ما حنفیه و ادانمی شود و نزدیک شافعی و ودیعی
 آنکه چون چند نماز بیک وضوء خواند و مسواک کرد در آن وضوء پس هر نماز نزدیک ثواب

و شستن نماز که غیر مسواک گذارده شده است می دارد و نزدیک شافعی در یک نماز این دو را مجامعت
 به بشود و در دیگر نمازها اگر وقتیکه مسواک کند برای هر نماز فی اعداد القامح و السواک من سنن الترمذی
 عندنا لا من سنن لصلوة فیحصل فضیلتی فی کل صلوۃ صلا باو وضو بر استاک فیه من غیر استیک
 عند قیامه لها فی البحر الرائق و قالوا فائدة اختلاف الظاهرین صلی بو وضو بر واحد صلوات کیفیه السواک
 للوضو عندنا وعند الشافعی استاک لکل صلوۃ و فی سراج اطلاق قال شافعی استاک من سنن لصلوة
 و فائدة اختلاف الايضاً لصلوة الظاهر استاک بقی علی وضو الی بعضه مغرب کان استاک الاول سنة
 لکل غنما و عند یسین استاک لکل صلوۃ و فی حاشیة الطحاوی علی الدر قوله هو للوضو عندنا و عند
 للصلوة و غیر الشتره من صلی بو وضو بر واحد صلوات و قد استاک فیه یکون صلوۃ بسببین صلوۃ من غیر
 سواک عندنا و عند الشافعی لا یحصل الا اذا استاک لکل صلوۃ فائدة فی البحر و نزدیک بعض فضیه
 سنت سواک برای نماز وقتی است که هنگام وضو ترا فراموش کند اما اگر فراموش کرده باشد پس آن
 نماز سنت نیست بلکه برای وضو است فی الدر المختار و هو للوضو عندنا الا اذا نسیت ان تریب للصلوة و فی
 سراج اطلاق و اما اذا نسی للظهر ثم ذکر بعد ذلک انه یستحب له ان استاک حتی یدرک فضیلتی و یکن
 صلاته بسواک جماعاً و ان است و دوم و در بیان فوائد و منافع مسواک این است
 که در مسواک فوائد و منافع بسیار اند بعضی را بمقتدا فائدة گفته اند که زمانی آن دو رکعت
 و اعلائی آن یاد و نایندن کلمه شهادت است وقت موت چنانچه در افیون بمقتدا مضرت است
 که زمانی آن فراموش شدن کلمه شهادت است وقت موت و نزدیک بعض علما رحمهم الله
 شش شش منفع است فی ارفاءه فانها قبل فیه سبعون فائدة و فیها ایضا و فی الافیون سبعون
 مضرة اقلها نسیان الشهادة و فی حاشیة الطحاوی اذا ما اطاعة الاذی و عسلها
 تذکیر الشهادة عند الموت زرق الله ذلک بمنه و کرمه و فیها ایضا قوله و من منافع فی التمر

وصلت منافعه بست واثین وایجا حسب ل بعض سلبا ذکر سی و شش فو اند و منافع اکتفا
می رود اول خوشنودی پروردگار عالم است دوم مهارت دهن بست سوم اتباع سنین
مرسلین خصوصا سنت سیدنا رسول الله صلی الله علیه و سلم است چهارم نمازیکه برای آن
گروه شود و نمازیکه برای آن مسواک نکرده شود و عزت فضیلت دارد و به بقا و درجه و ذکر این
چهار منافع و فوائد و خبر سید البشر نیز آمده است کما سیاتی فی الادراک الاتی پنجم دور کننده
گناهان است ششم زیاده کننده و در نیکیها به فتم قاطع صغیر است هفتم سخت کننده لثه است
لذاتی سراج الظلام و البدر التام نهم شفا از هر مرض است سوای موت و هم یاد دهنده بکلمه
شهادت است وقت موت کذا فی الدر المختار یاد دهنم دور کننده تغییر بوی دهن و از دهن
دور کننده شیطان سیزدهم نجات دهنده از بقا و دو و بلا چهاردهم خوش کننده ملائکه
لذاتی تهذیب الصلوة پانزدهم دور کننده تغییری که حاصل شده است از سکوت کذا فی المرقا
شانزدهم مورث غناست هفتم هم رو کننده حاجت پیچیده هم نفع کننده و در دست
نوزدهم نفع کننده در وثیقہ است ستم نفع کننده در دندان است کذا فی اشراق الیجا
بست و یکم دیر آوند پیریت بست و دوم شتابی دهنده است در قرن پیل صراط کذا فی
حاشیه الخطاوی علی الدرنا قلا عن ابی اسعد و بست و سوم زیاده کننده حسن و عین
کذا فی مفتاح الجنان بست و چهارم و غریض و غضب آوند ده شیطا بست کذا فی
البحر الرائق و سراج الظلام و البدر التام بست و پنجم قوت دهنده دندان بست و ششم
دور کننده زردی دندان است کذا فی الصغیری و تهذیب الصلوة بست و هفتم دور
کننده بلغم بست و هشتم قوت دهنده معده است کذا فی سراج الظلام
و البدر التام و تهذیب الصلوة بست و نهم خوش کننده بکمت دهن کذا فی الصغیری و سراج الظلام

سعی از زیاده کننده فصاحت سعی و کیم زیاده کننده در رزق است سعی و دوم آسان
 کننده سکر است موت است سعی و سوم دفع کننده عذاب قبر است سعی و چهارم روشن کننده
 قبر است سعی و پنجم باعث محبت و در میان خلق است کذا فی تهذیب الصلوة و اشراق الارواح
 سعی و ششم تیر کننده بینائی است کذا فی الصغری و تهذیب الصلوة و اشراق الارواح
 آوراث نسبت و سوم و در بیان حکم مسواک برای صائم جاهل است
 برای روزه و از مسواک کردن بلکه بهت تازه باشد یا خشک و از آب تر کرده شده باشد
 یا نه پیش از زوال آفتاب بود یا بعد آن نیست تهذیب امام ابی حنیفه و امام مالک و ربیع
 و امام احمد و ربیع از دور وایت مرویه از و این جواز مخفف است و با وجوب جواز اگر کسی
 مسواک کننده گمان کند که مسواک کردن موجب افطار روزه شد پس بعد این عمل بخورد
 بر و قضا و کفاره هر دو لازم است فی جامع الرموز و لایکراه السواک فی استعمال الخشب
 فی الوضوء للفرض لنقل و غیره مسواک کان مبلو لا اول صبا حاور و احاور و اعند نافه
 فاضیخان و لا باس بالسواک الرطب و الیابس فی الغداة و العشی عندنا و فی المیزان
 للشعرانی و من ذلک کراهته السواک للصائم بعد الزوال فقال ابو حنیفه و مالک احمد
 احمد ابو یونس لایکراهه و فی الدر المختار و لا السواک لوعشیاء و رطباً بالماء علی المذهب فی
 امداد المفتاح و لایکراهه السواک آخر النهار بل هو منه کاوله و قیه ایضاً و لایکراهه السواک لو کان
 رطباً ای اخضر ای مبلو لا بالماء لاطلاق ما روینا قوله لوعشیاء المراد ما بعد الزوال اراد
 به و علی الشافعی فالسواک یکره عنده حیث لا یزاله الخافوف الذی هو اوجب من المسک
 عند المذتعالی و فی المیزان للشعرانی قال اول مخفف و فی العالمگیریه و لو استاک فطن ان
 ذلک فطره فاکل بعد ذلک شتمه علیه القضاء و الکفارة کذا فی الخلاصة و دلیل بر اثبات

المراد به مسواک و نه غسل

این مدعا چند احادیث اندر اینجا مذکور است می پردازم اول حدیثی است
 که نزدی و ابی داؤد از عامر بن ربیع روایت کرده اند قال رایث النبی صلی الله علیه
 وسلم لا احصى بئسوک و هو صائم یعنی عامر بن ربیع گفت که دیدم نبی صلی الله علیه
 و سلم آن قدر که شمار کردن نمی توانم که مسواک میکرد حال آنکه روزه دار بود و وصحی
 که روایت کرده شده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم قال فی خصال الصائم مسواک بعضی بهترین
 خصلمتار روزه دار مسواک است سوم حدیثی که از آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بخاری و مسلم روایت کرده
 شده لولا ان شق علی امتی لا مرمم بالسواک عند کل صلوۃ یعنی اگر نبودیم که در هر وقت نماز
 من است خود را بر آینه واجب می گردانیدم بر ایشان مسواک کردن نزدیک بر نماز
 وجه استدلال ازین حدیث آنست که عند کل صلوۃ عام است شامل صلوۃ صائم و غیر
 صائم و شامل جمیع اوقات است پیش از زوال بود یا بعد آن چهارم حدیثی است که در
 کرده شد از آنحضرت صلی الله علیه و سلم صلوۃ بالسواک افضل من سبعین صلوۃ بالسواک
 یعنی یک نماز که بمسواک ادا کرده شود بهتر است از هفتاد نماز که بغیر مسواک ادا کرده شود
 وجه استدلال ازین حدیث بر مدعا چنین است که صلوۃ اگر چه نکره و محل اثبات است
 لیکن بسبب موصوف بودنش بصفت عامه عام شد و عام شامل نماز صائم و غیر صائم
 پنجم حدیثی است که از عایشه صدیقہ رضی الله عنها روایت کرده شده است عن النبی
 صلی الله علیه و سلم کان یستاک ول النهار و آخره و هو صائم یعنی نبی صلی الله علیه
 و سلم است که بود مسواک میکرد اول روز و آخر روز و حال آنکه روزه دار بود و بعضی
 احادیثی که در ادراک احادیث می آیند آن احادیث نیز نص صریح اند بر وجوب آن
 مسواک برای صائم فانتظره مفتشانی اعداد القیاح و لایکروه له السواک آخر النهار

بل هو منه كآوله لقوله عليه السلام لو لان شئ على آتى لام تم بالسواك عند كل
 صلوة يدخل في عموم كل صلوة الظهر والعصر والمغرب للصائم والمنفطر لقوله صلى الله
 عليه وسلم صلوة بالسواك افضل من سبعين صلوة بلا سواك فلهذا النكرة وان كانت
 في الاثبات نعم بوجها بصنفه عامة فيصدق على عصر الصائم اذا استاك فيه انما صلوة
 افضل من سبعين كما يصدق على عصر المنفطر كذا في الفتح وفي كفاية الجيب روى عن
 عائشة رضي الله عنها ان النبي صلى الله عليه وسلم كان يستاك اول النهار وآخره وهو
 صائم كذا في الكفاية شرح الهداية وتزاد امام ابى يوسف سواك طيب انخره مكرهه ليست
 برای روزه دار سواك تركرده شده از آب مكرهه است نرود او چه كه درین داخل كرد
 آب است درین بغير ضرورت و در ظاهر روایت آن است كه مكرهه ليست بهیچین مختار امام اعظم دام
 محمد رحمه الله چه كه مقصود طهارت دهن است و این سواك بمنزله مضمضة است
 و در سواك تری آب بقدر تری آب مضمضة دهن باقی نماند و مضمضة مكرهه ليست بهیچین سواك
 تری هم كرده نخواهد شد و جواب امام ابى حنیفه و امام محمد از طرف امام ابى يوسف بدین
 گونه ممكن است كه مضمضة حاصل میشود بدخل كردن آب در دهن و سواك كردن ممكن
 بدون این پس قی شد ما بین هر دو فی قنای قاضیخان و اما الرطب لا انخره فلا باس
 به عند الكل و فيه ايضا وقال ابو يوسف يكره المبلول بالماء لان فيه ادخال الماء في
 الفم من غير ضرورة وفيه ايضا وفي ظاهر الرواية انه لا باس بذلك لان المقصود
 هو التطهير فكان بمنزلة المضمضة وفي حاشية الخطاوى على الدر المختار وقيل يكره
 بله ولا وجه لانه مضمض بالماء فكيف يكره له استعمال العود الرطب وليس فيه من الماء
 قدر ما يبقى في فمه من البلل من اثر المضمضة وفيه ايضا قال المحمدي قد تفرق بين

ادخال الماء للضمضة وادخاله للاستیاک لان الضمضة لا یتادی بدون ادخال الماء
واما الاستیاک فیتانی بدونه وتزدیک بعضی مکروه است مسواک کردن در وضو و غسل
فی جامع الرموز و قبل بکیره فی وضو انفل کما فی الزاهدی و غیره و نزد اسحاق مطلق مسواک
رطب باشد یا بابس تر بآب باشد یا نه مکروه است کذا فی شعبة المعات و نزدیک امام شافعی
رحمۃ اللہ علیہ و امام احمد و ربکی از دور روایت مرویه از ابو جعد زوال مسواک مطلقاً
مکروه است فی الدرر و لا سواک و لو عشیاً او طیباً بالماء علی المذهب و کبریه الشافعی و ارفا
و فی المیزان للشعرانی و قال الشافعی و احمد فی الروایۃ الاخری مکروهه فیہ ایضاً و الثانی
مشد و فرج الامر الی مرقی المیزان و حجت امام شافعی و امام احمد و اسحاق رحمهم اللہ
بر اثبات این مدعا بدو دلیل است اول آنجه از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم مرویت
خلوف ثم الصائم عند الطيب من السك لا ذفر یعنی هر آینه بوی دهن روزه دار
خوشبو دار ترست نزدیک خدای تعالی از بوی مشک از فرو و وجه حجت گرفتن این
حدیث بدو گونه است که مسواک زائل میکند این بوراود در کتاب الامام با حادوث
الاحکام بر روایت ابی هریره چنین وارد شده و الذی نفس محمد بیده خلوف ثم الصائم
اطیب عند اللہ یوم القيامة من ریح السک یعنی قسم بذاتیکه نفس محمد بید قدرت است
هر آینه بوی دهن روزه دار پاکیزه ترست نزدیک خدای تعالی بر روز قیامت از بوی
مشک دو م آنکه در مسواک کردن از الة اثر محو است فی شرح اسلام للنووی و فی الشیخ
ان السواک بکیر للصائم بعد زوال الشمس لئلا یزال خلوف المستحضر و فی حاشیة الطحاوی
علی الدر المختار قوله و کبریه الشافعی لقوله صلی اللہ علیہ وسلم خلوف ثم الصائم عند اللہ الطیب
ریح السک لا ذفر و لان فیه زالة الاثر المحمود و جواب این هر سه آنکه از طرف امام اعظم

بسته چنانکه است و اول آنکه از مسواک کردن بر نفی کردن مسواک در دو جهت دوم
آنکه خلوفی که نزد خدا طیب از مشک است زایل نمیشود از مسواک کردن و وجه سوم آنکه
صحابه کبار رضوان الله علیهم حسین بکرده میدهند کلام کردن خود با آنحضرت صلی الله علیه
وسلم در روزه بسبب تغییر بوی دهان خود بپس دور کردن آنحضرت صلی الله علیه وسلم این است که او را
بذکر عظمت شان خلوف روزه دار فی سحیته اطحاوی علی الدر المختار و لیس فیما روی الله
علی انه لا یتاک و فی شرح الوقایه و نحن نقول ان خلوف الذی کان طیب عند الله طیب
لا یزال بالسواک و ایضا فی تمک الحاشیته و در حدیثی که در خلوف و مسواک و آنکه کافران و غیره
عن الکلام مع تغییر فمهم منعم عن ذلک بذکر شان مخفی شاند که بدون خلوف نزدیک خدا
طیب از مشک بد و توجیه است توجیه اول آنکه روزه دار برین طیب خلوف ثواب داده
میشود و زیاده از آنچه ثواب داده میشود تطیب بمشک در مواضعیکه در آن شرعاً تطیب واجب
طیبیه مقصود است مثل یوم جمعه و عید الفطر و عید الاضحی توجیه دوم آنکه طیب خلوف دهان روزه
طیب است به نسبت بوی مشک که نزد انسان است و تاویل عند الله بدو گونه است
یکی بدون تقدیر مضاف است یعنی این خلوف دهان روزه دار نزدیک از خدا است یعنی
از رحمت و ثواب خدا چنانچه تطیب بمشک مقرب محبوب نزدیک شماست و دیگری
به تقدیر مضاف است یعنی نزدیک ملائکه خدا یعنی آنها خلوف دهان روزه دار را طیب
از بوی مشک می شمردند کذا قاله الطحاوی فی سحیته علی الدر المختار و در آنکه لبت
و چهارم در بیان فضیلت نمازیکه مسواک گزارد و بشود
بدانکه نمازیکه برای آن مسواک کنند بر نمازیکه برای آن مسواک نکنند متفاوت در فضیلت
و حریت دارد و احادیثی که برین مدعا دلالت دارند و در آنکه لبت و پنجم خواستند آمد

در آنکه لبت و چهارم در بیان فضیلت نمازیکه مسواک گزارد و بشود

انشار الله تعالى واینها بیک حدیث از ان التفاویر و فی التریب التریب ثاقلاً
 عن البقیة فی شعب الایمان بن احمد و ابن خریمة و الحاکم و الدارقطنی و ابن عدی و ابی نعیم
 عن عایشة رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم تفضل الصلوة
 التي یستاک لها علی الصلوة التي لا یستاک لها سبعین ضعفا یعنی عایشة میگویی که فرمود
 رسول خدا صلی الله علیه وسلم فضل دارد نمازیکه مسواک کرده شود برای آن بر نمازیکه مسواک
 نکرده شود برای آن هفتاد و چند ادراک بستی و بیجم در بیان احادیث
 که در باب مسواک مروی شده باید دانست که علماء جمیع ائمه فرموده اند
 که در باب فضل مسواک هیچ حدیثی از حدیثی که در کتب معتبره است بحدیثی که در کتب ضعیف
 و فضائل و احکام مسواک زیاده ازین هم بنظر آمده اند چنانچه عنقریب واضح میشود و هر چند
 بعضی احادیث این ادراک سابقاً در رکعات گذشته بمقام استناد بعضی دعای بطول
 سندند کور شده اند لیکن اینجا بمقتضای آنکه هو المسک ماکرته بتضوع و هم بنظر ابرار
 جمله احادیث مسواک بیک مقام اعاده آنها شده است اول نچه مشکوة المصابیح
 نقل عن المسلم از عایشة رضی الله عنها و سبت قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
 عشرة من الفطرة قص الشارب و اعفاء الخیة و السواک و استنشاق المار و قص الاظفار
 و غسل البرجم و تنف الابط و حلق العانة و انتخاص المار یعنی الاستنجاء قال الراوی
 و سبت العاشرة الا ان ینوی لمضمضة و فی رواية النخاع بدل اعفاء الخیة یعنی
 عایشة گفت رضی الله عنها که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم که ده چیز از فطرت
 یعنی سنت انبیاست کوتاه کردن سبیل و فرو گذاشتن و وافر گردانیدن ریش
 و مسواک کردن و کشیدن آب در بینی و تراشیدن ناخن و شستن بر اجم یعنی بند

احادیثی که در باب مسواک مروی شده

انگشتان پیش پوشت آنها که چیرکها در انجا جمع شود و بر کندن موی بغل و سترن جو
 غانه و کم کردن آب یعنی استنجا را وی گوید که فراموش کردن خصلت و همراهم اگر آنکه باشد
 مضربه و در روایتی لفظ ختنه بجای اغلی کحیه واقع شده دوم آنچه در شکوه اصباح
 نقلاً عن الشافعی و احمد و الدایمی و النسائی و ابن خزمیه فی صحیحہ و البخاری فی صحیحہ است
 از عایشه رضی الله عنها مروی شده قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم السواک
 مطهرة للغم و مرضاة للرب یعنی گفت عایشه رضی الله عنها که فرمود رسول خدا صلی الله
 علیه وسلم که مسواک پاک کننده است مردی را و خوشنود کننده است مردی را و در گار
 سوم آنچه ابو داود و در سنن خود از عبد الله بن عباس روایت کرده قال بث لیلة
 عن النبی صلی الله علیه وسلم فلما استیقظ من منامه اتی طوره فاخذ سواک فاستاک
 ثم تلا هذه الآیة ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لا ولی
 الا للباب حتی قارب ان ینتم السورة و اتمها تم توضحا فاتی مصلاة فصلی کعتین ثم رجع
 الی فرشه فنام ما اشار الله ثم استیقظ ففعل مثل ذلک ثم رجع الی فرشه فنام ثم استیقظ
 ففعل مثل ذلک کل ذلک لیستاک ویصلی کعتین ثم و تر قال ابو داود و در واه ابن فضال
 حصین قال فتشوک و توضحا و هو یقول ان فی خلق السموات و الارض حتی ختم السورة
 یعنی عبد الله بن عباس رضی الله عنهما میگوید که خوابیدم شبی نزدیک نبی صلی الله علیه
 وسلم پس هرگاه بیدار شد آنحضرت از خواب خود بیدار آب وضو پس گرفت مسواک
 خود پس مسواک کرد پس تر خواند این آیه را ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل
 و النهار لآیات لا ولی الا للباب تا اینکه قریب بود که ختم کند سوره را یا ختم کرد آنرا پس آمد
 نمازگاه خود را پس گذارد و دو رکعت پس باز آمد بسوی بستر خود پس خواب کرد و هر قدر که خواست

خدا پسترسیدارشید پس کرد مثل آن پسترباز آمد طرف بستر خود پس خواب کرد پسترسیدارشید
 پس کرد مثل آن هر بار مسواک میکرد و دو رکعت نماز میخواند پسترباز و تر گذارد و در وقت
 مسلم از ابن عباس چنین مرویست انه بات عند النبی صلی الله علیه وسلم من آخر الليل
 فخرج فنظر فی السما ثم تلا هذه الآية فی آل عمران ان خلق السموات والارض و اختلاف
 الليل والنهار حتی بلغ فقنا عذاب النار ثم رجع الی البیت فستوک فتوضأ ثم قام فصله
 ثم قطع ثم قام فخرج فنظر الی السما فتلان هذه الآية ثم رجع فستوک فتوضأ ثم قام فصله
 یعنی در روایت مسلم از عبد الله بن عباس چنین آمده که او در شب خواب کرد و نزدیک نبی
 صلی الله علیه وسلم از آخر شب پس بیرون آمد آنحضرت پس نظر کرد بسوی آسمان پتر
 تلاوت کرد این آیه را که در سوره آل عمران است یعنی ان فی خلق السموات والارض
 و اختلاف الليل والنهار تا رسید بدین آیه فقنا عذاب النار پسترباز رجع کرد بسو
 خانه پس مسواک کرد و وضو کرد پسترباز تا پس خواند نماز پسترباز خوابید پسترباز تا
 پس بیرون آمد و نظر کرد بسوی آسمان پس تلاوت کرد همین آیه را پسترباز آمد بخانه پس
 مسواک کرد پس وضو کرد پسترباز تا پس نماز خواند و در ترغیب و ترهیب نقل از ابن
 ماجه والنسائی عن ابن عباس کهذا قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یصلی باللیل
 رکعتین کحزینین ثم ینصرف فیمساک یعنی گفت ابن عباس که بود رسول خدا صلی الله
 علیه وسلم میگذارد در شب دو رکعت پس باز میگشت از آن پس مسواک میکرد
 چهارم آنچه در بنایه شرح بر اوایت احمد و طبرانی از واثقه بن اسقع آمده است امرت
 بالسواک حتی خشیت ان یمیت علی یعنی امر کرده شدم به مسواک کردن تا اینکه بمیرم
 از آنکه فرض کرده شود بر من و در روایت ابی یعلی از ابن عباس چنین آمده عن النبی صلی

علیه وسلم انه قال لقد امرت بالسواک حتی ظننت انه نزل علی فیه قرآن او وحی یعنی فرمود
 بر آنکه امر کرده شدم بمسواک تا آنکه گمان کردم که به تحقیق نازل کرده شود بر من درین باب
 قرآنی یا وحی در روایت احمد چنین آمده لقد امرت بالسواک حتی خشیت ان یوحی الی
 فیه شئی یعنی بر آنکه تحقیق امر کرده شدم بمسواک حتی که ترسیدم بآن که وحی کرده شود و بطریق
 من در ان چیزی پیچیده تر ترغیب تر هبیب بر روایت ابو یعلی از عایشه رضی اللہ
 تعالی عنہا مروی شده قالت ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم مازال یذکر السواک حتی خشیت
 ان نزل فیه قرآن یعنی عایشه رضی اللہ عنہا میگوید دیدم رستیکه نبی صلی اللہ علیہ وسلم همیشه
 ذکر میکرد مسواک را تا اینکه ترسیدم که نازل کرده شود در باب آن قرآن ششم پنجم در بنایه
 بر روایت ابن جبان از حدیث عامری مروی گشته که انولید خلون علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم
 فقال تدخلون فاما استکوا یعنی بودند مردمان که می درآمدند بر آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس
 فرمود که در می آئید ز رو دندان مسواک کنید بقیه السواک نصف الایمان یعنی مسواک
 کردن نیمه ایمان است و چون مسواک بجملة طور است و در باب طور حدیث دیگر وارد شده
 که الطور شرط الایمان پس مسواک هم نصف ایمان خواهد بود و هشتم السواک واجب علی کل
 مسلم یعنی مسواک کردن واجب است بر هر مسلمان مراد بواجب معنی مستطیع نیست
 بلکه معنی حق ثابت است نهیم السواک من لفطره مسواک کردن از فطرت است و نهم
 السواک من سنة فاستکوا فی امی وقت لقد امرت بالسواک حتی خشیت انسانی یعنی مسواک
 کردن از سنت است پس مسواک کنید در هر وقتیکه خواهید بر آنکه تحقیق امر کرده شدم
 بمسواک کردن تا آنکه سوده گردد و یست شود دندان من یازدهم خیر خصال الصائم السواک
 یعنی بهترین خصایصهای روزه دار مسواک کردن است و دوازدهم فی السواک عشر خصال

یطیب النعم ویشد الله امی مغاذا الاسنان ویکلو البصر ویزهیب البیغم ویزهیب الخضر و یوقئ
 السنه و یفرح الملائکة و یرضی الرب و یرید فی الحسنات و یصح المعدة یعنی در مسواک و خصلت
 اند پاک میکند و بهین بر او سخت میکند لثه را یعنی جای بر آمدن دندان مر و روشن میکند و بنا فی را
 و می برد بغم را و می برد گندگی دهن را و موافقت میکند سنت را و خوش میکند و ششگان را
 و خوشنود میکند پروردگار را و زیاده میکند در نیکیها و صحیح میکند معده را کذا فی سنن ابوداود
 و در بنایه بر روایت ابوالنعم از ابن عباس چنین آمده السواک یدیهیب البیغم و یفرح الملائکة
 و یوافق السنة یعنی مسواک می برد بغم را و خوش میگرداند و ششگان را و موافقت میکند
 سنت است یعنی مسواک یدیهیب البیغم و یفرح الملائکة و یوافق السنة یعنی مسواک زیاد میکند در اقصا صحت چهار و هم طیبوا
 افواهکم بالسواک فانها طرق القرآن یعنی پاک کنید دهن های خود را بمسواک کردن پس
 بتحقیق این دهنها را بهای قرآن اند و در بنایه بر روایت ابی نعیم از علی رضی الله عنه
 چنین آمده ان افواهکم طرق القرآن فطوبوا بالسواک یعنی بتحقیق دهنهای شما را بهای
 قرآنست پس پاک کنید آنها را بمسواک کردن پانزدهم کان علیه السلام لاینام الا بالسواک
 فاذا استیقظ بدأ بالسواک کذا فی سنن الهمدی فی متابفة المصطفی لعبد النبى بن احمد
 بن عبد القدوس یعنی بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که خواب نیکو برد و ن مسواک
 کردن پس وقتی که بیدار میشد شروع میکرد بمسواک کردن شانزدهم در مشکو و بر روایت
 احمد و ابوداود از عایشه رضی الله عنها است قالت کان النبی صلی الله علیه وسلم
 لایرقد من لیل الا انها فیستقیظ الا بتسوک قبل ان یتوضأ یعنی عایشه گوید بود آنحضرت صلی
 که خواب نیکو کرد از شب نه از روز پس بیدار میشد مگر مسواک میکرد پیش از این که وضو
 کند یعنی بعد بیدار شدن از خواب پیش از وضو معتاد بمسواک بود و هفتم آنچه روایت کرد

مسلم از عایشه رضی الله عنهما ان النبي صلعم کان اذا دخل مئة یا بالسواک یعنی تحقیق
 بود آنحضرت صلعم هر گاه که در می آمد بخانه خویش شروع میکرد بمسواک کردن و در روایت
 دیگر مسلم بروایت شریح بن ابیانی از عایشه رضی الله عنهما چنین مروی گشته قال
 سألت عائشة بای شئ کان یبدر رسول الله صلعم اذا دخل مئة قالت بالسواک یعنی
 شریح بن ابیانی گفت که پرسیدم عایشه را کدام چیز بود که شروع و آغاز میکرد رسول خدا
 صلی الله علیه وسلم وقتی که در می آمد بخانه خویش گفت عایشه ابتدا میکرد بمسواک و بعد از آن
 آنچه روایت کرد بطبرانی از زید بن خالد جهنی قال کان رسول الله صلعم یخرج من مئة یعنی
 من الصلوات حتی یستاک کذا فی الترغیب والترهیب یعنی زید بن خالد جهنی میگوید که نبود
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد از خانه خود برای چیزی از نماز تا اینکه مسواک
 میکرد و نوزدهم آنچه روایت کرد بطبرانی در اوسط از عایشه رضی الله عنهما قالت قال
 رسول الله صلی الله علیه وسلم لزم السواک حتی خشیت ان یدرونی یعنی عایشه
 گوید گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم که لازم گرفتیم مسواک کردن را تا اینکه ترسیدیم که بفرقیته
 دهن من یعنی از کثرت مسواک ساقط گردد دندان دهن من و در روایت دیگر بطبرانی
 از ام سلمه رضی الله عنهما چنین آمده قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما زال
 جبرئیل یوصی بالسواک حتی خفت علی ان یرا سی کذا فی الترغیب والترهیب یعنی گفت
 ام سلمه فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم همیشه بود جبرئیل که وصیت میکرد بمسواک
 کردن تا اینکه ترسیدم بر زبان او دو روایت دیگر بطبرانی و در روایت پیغمبر و ابن ابی
 و احمد و ابو نعیم و ابن بسکن چنین آمده ما زال جبرئیل علیه السلام یوصی بالسواک حتی
 خشیت ان یدرونی که همیشه جبرئیل علیه السلام وصیت میکرد بمسواک کردن

تا اینکه ترسیم آنکه بقتید و همین بر من روایت احمد از ابی امامه چنین آمده ان رسول الله
 صلی الله علیه وسلم قال جابر بن جبریل علیه السلام قضا الامر فی السواک لقد خشیت ان
 مقدم فی یعنی بتحقیق رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که نیاید مرا جبریل علیه السلام برگز
 مگر اینکه امر کرده ام بسواک کردن هر آنکه بتحقیق ترسیم آنکه بپست کنم و از پنج برکنم پیشین
 خود را بستم انچه روایت کرد برار از علی رضی الله عنه انه امر بالسواک و قال قال رسول الله
 صلی الله علیه وسلم ان العبد اذا تسوکت ثم قام یصلی قام الملك خلفه فیسمع بقرآنه فیقول
 مست و کلمته نحو ما حتی یضع فاه علی فیه فلا یخرج من فیه شیء من القرآن الا صار فی جوف
 الملك فظنوا ان فواکم القرآن کذا فی الترغیب والترہیب یعنی بتحقیق امر کرده علی رضی الله عنه
 بسواک کردن گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق هر دو هر گاه که سواک کرد
 پس برخاست که نماز بخواند بر منجه و ملک خلف او پس می شنود بقرآن او پست تر می شود
 با و یا کلمه مانند آن ذکر کرد آنحضرت تا اینکه می نهد دهن خود بر دهن او پس بر بنی آید از
 دهن مصلی چیزی از قرآن مگر آنکه میشود در شکم ملک پس پاک کنید دهن های خود را برای
 قرآن و در بنایه بر روایت ابو نعیم از جابر رضی الله عنه چنین آمده و اذا قام احدکم من الصل
 یصلی فلیستک فانما اذا قام یصلی آتاه ملک فیضع فاه علی فیه فلا یخرج شیء من فیه الا وقع
 فی فی الملك یعنی چون بایستد یکی از شما از شب که بخواند نماز را پس باید که سواک کند پس
 بدستیکه چون بایستد که بگذارد نماز را می آید او را فرشته پس می نهد دهن خود را بر دهن
 پس بر بنی آید چیزی از دهنش مگر آنکه بقتید و در دهن فرشته بپست و یکم انچه روایت کرد
 ابو نعیم از جابر رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم کفنان بالسواک
 انتم من سبعین رکعة یعنی گفت جابر فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

و در رکعت بسواک بهتر است از هفتاد رکعت بغیر سواک و در روایت دیگر ابو نعیم از ابن
 عباس رضی الله عنه چنین آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم قال لان اصل رکعتین بسواک
 احب الی من ان اصلي سبعین رکعة بغیر سواک یعنی بدرستی که نبی صلی الله علیه وسلم
 فرمود هر آینه آنکه بگذارم دو رکعت نماز بسواک دوست تر است نزد من از آنکه بگذارم
 هفتاد رکعت بدون سواک و در روایت دیگر بنابر احمد و ابی یعلی و ابن خزيمة و حشیش از عایشه
 رضی الله عنها چنین است عن النبی قال فضل الصلوة بالسواک علی الصلوة بغیر سواک
 سبعین ضعفا کذا فی الترغیب والترہیب یعنی بزرگی نمازی که بسواک باشد بر نمازی که
 بدون سواک بود هفتاد و چند است و در روایت احمد چنین است انه علیه السلام قال
 صلوة بسواک افضل من سبعین صلوة بغیر سواک کذا فی المرقاة و کذا فی سنن الہدی یعنی
 بتحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که یک نماز بسواک بهتر است از هفتاد نماز بغیر
 سواک و در بنایه بر روایت بیہقی و شعب الایمان احمد و ابن خزيمة و حاکم و دارقطنی
 و ابن عدی و ابی نعیم از عایشه رضی الله عنها چنین آمده قالت قال رسول الله صلی الله
 علیه وسلم تفضل الصلوة التي لیستاک لهما علی الصلوة التي لا لیستاک لهما سبعین ضعفا
 یعنی گفت عایشه رضی الله عنها فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بزرگی دارد نمازی
 که مسواک کرده شود برای آن بر نمازی که مسواک نکرده شود برای آن هفتاد و چند است و در
 آنچه در بنایه نقل از عایشه صدیقہ رضی الله عنها آمده بود یک سنہ و علی فریضیہ
 السواک و الوتر و قیام اللیل یعنی فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم این سه چیز بزرگ
 شایسته است و بر من فرض یک مسواک کردن دوم نماز و ترخواندن سوم بر بخاتن
 و استادن شب یعنی نماز شب خواندن است و در روایت کرد ابو نعیم از عایشه

رضی الله عنہا قالت کان علیہ السلام یستاک عرضاً لا طویلاً یعنی گفت عایشہ رضی الله عنہا بود آنحضرت
 علیہ السلام کہ مسواک میکرد و در عرض دندان نہ طول آن و در روایت ابی داؤد و حنین است اذا
 استکثمت فاستکوا عرضاً یعنی ہر گاہ مسواک کنید پس سواک کنید در عرض دندان و در روایت
 بیہقی از ربیعہ بن اکثم روایت قال کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یستاک عرضاً و قسماً
 مصداقاً یقول ہواہنی و امراً یعنی گفت راوی بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ مسواک میکرد
 و در عرض دندان و می نوشید آب از رومی یکیدن و میگفت کہ این خوشگوار تر و گوارا تر است
 بست و چہارم انچہ شیخین ابی موسی روایت کردہ اند قال اتینا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
 فرأیتہ یستاک علی لسانہ کل ذلک فی البناۃ یعنی آدمیم رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پس
 دیدم آنحضرت را علیہ السلام کہ مسواک میکرد بر زبان خود و در کتاب الامام با حادۃ الاحکام
 بر روایت مسلم از ابی موسی حنین است قال دخلت علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم و طرف السواک
 علی لسانہ یعنی گفت و آدمم بر نبی صلی اللہ علیہ وسلم و کنارہ مسواک بر زبان شرفیش بود
 و در بیان کتاب بروایت سنن ابی داؤد از ابی بردہ عن ابیہم روایت قال اتینا رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم فاستحاج فرأیتہ یستاک علی لسانہ یعنی و آدمیم رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را
 و حالیکہ سواری می طلبیدیم از آنحضرت پس دیدم او را مسواک میکند بر زبان خود بست و
 انچہ در نسائی از ابی موسی روایت است قال دخلت علی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
 ہویشتن و طرف السواک علی لسانہ و ہو یقول عا عا یتہوع یعنی ابو موسی گفت و دخل شدم
 بر رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم و حالیکہ او مسواک میکرد و کنارہ مسواک بر زبان او بود و
 میگفت عا عا یعنی تنوع میکرد و در روایت دیگر حنین است دخلت علی النبی صلی اللہ
 علیہ وسلم و قد وضع السواک علی طرف لسانہ یقول آہ آہ یعنی تنوع یعنی راوی گوید

که داخل شدیم بر نبی صلی الله علیه وسلم و آنحضرت نهاده بود مسواک را بر کنار ده زبان خود و می
فرمود آه یعنی تنوع میکرد و نسبت و ششم آنکه در بنایه بر روایت بطرفی در او سطر خود از سوا
بن جیل رضی الله عنه مروی شد قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول
نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة طیب الغم و یدهب الحفر و یهوسواکی و سواک الانبیاء
من قبل یعنی معاذ بن جیل میگوید که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت
چه خوش مسواک زیتون است از درخت برکت داده شده پاک میکند و همین راومی برد
کنده و دهنی را و آن مسواک من انبیا پیشین من است و در حاشیه در مختار از طحاوی و بر روایت
بطرفی چنین است نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة و یهوسواکی و سواک الانبیاء
من قبل یعنی خوش مسواک زیتون است از درخت برکت داده شده و آن مسواک من انبیا
پیشین من است است و هفتم آنچه در بنایه بر روایت بطرفی از جابر رضی الله عنه مرویست
کان السواک من اذن رسول الله موضع اقل من اذن الکاتب یعنی بود مسواک از گوش
رسول الله موضع قلم از گوش کاتب یعنی جاییکه کاتب قلم بر گوش نهاده آنجا رسول الله
صلی الله علیه وسلم مسواک می نهاده نسبت و ششم آنچه در مشکوٰۃ المصابیح بر روایت ترمذی
و ابوداؤد از ابی سلمه زید بن خالد جهنی مرویست قال سمعت رسول الله صلی الله علیه
وسلم یقول لولا ان تشق علی امتی لاهتمم بالسواک عند کل صلوٰۃ و لا خیرت صلوٰۃ اعشاء
اللیل قال فکان زید بن خالد یشبه الصلوٰۃ فی المسجد و سواک علی اذنه موضع اقل
من اذن الکاتب الیقوم الی الصلوٰۃ الا استن ثم رده الی موضع رده الترمذی و ابوداؤد
الا انه لم ینکر و لا خیرت صلوٰۃ العشاء الی ثلث ایل یعنی گفت راومی که شنیدم رسول خدا
صلی الله علیه وسلم را میگفت اگر نمی بود ترس آنکه در مشقت اندازم است خود را بر آینه

واجب میکردانیدم بر آنها مسواک کردن یک مرتبه و هر آینه تاخیر میکردم نماز عشا را تا دو
 و انگ شب گفت ابوسعلمه را وی پس بجزیه بن خالد که حاضر می شد نماز را در مسجد
 و مسواک و بگوشتش می بود بجای قلم از گوش نویسنده برنی خاست برای نماز دیگر مسواک
 میکرد و پستری نهاد بجای او یعنی در گوش خود تا اینجا ترندی و ابو داود و اتفاق روایت
 کردند لیکن ابو داود ذکر کرد و لاخرت صلوة العشاء الی ثلث الیل کسبت نعم انچه در سنن
 ابی داود از عایشه نقل است ان النبی صلی الله علیه وسلم کان یوضع وضوءه و مسواکه
 فاذا قام من الیل تکلم ثم استاک یعنی تحقیق نبی صلی الله علیه وسلم بود که نهاده میشد بر
 آداب وضوء و مسواکش پس چون برمی خاست از شب قضای حاجت میکرد و پستری
 مسواک میکرد سی ام انچه روایت کرد بخاری از انس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه
 علیه وسلم لقد اشرت علیکم فی السواک یعنی گفت انس فرمود رسول خدا صلی الله علیه
 و سلم بر آینه تحقیق بسیار کردم و دراز کردم بر شما سخن درباره مسواک سی و یکم انچه روایت
 کرد ابو داود از عایشه رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یستقی و عنده
 رجلا من اهلها اکبر من الآخر فاحی الله الیه فی السواک ان کبر اعطاه السواک اکبر یعنی میگوید
 عایشه رضی الله عنها بود رسول خدا صلی الله علیه وسلم که مسواک میکرد و نزدیک آنحضرت
 دو کس بودند یکی از آنها بزرگتر بود از دیگری پس حی فرستاد خداوند تعالی بسوی آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم بحیث فضیلت مسواک یعنی بده مسواک را بزرگترین این هر دو و در روایت
 بخاری و مسلم از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما چنین آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم قال
 ارانی فی المنام تسوک بسواک فجانی رجلا من اهلها اکبر من الآخر فاولت السواک الا صغر
 منها فقیل له کبر فذهبت الی الاکبر منها یعنی بدستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود می بینم

خود را در خواب که مسواک میکند بمسواکی پس آن مدینه مراد و کسکی یکی از آنها بزرگتر از دیگری بود
 پس دایم مسواک را به خرد تر از آنها پس گفته شد مراد به بزرگتر را پس دایم مسواک را
 به بزرگتر از آن هر دو شی و دوم آنچه روایت کرد ترمذی از ابی ایوب و بطرفی و اسحاق بن
 منین المرسلین النخاع السواک و التطهر و النکاح یعنی چهار چیز از سنتهای پیغمبران
 سابق اندخته کردن و مسواک کردن و استعمال بوی خوش نمودن و تزوج بهنسا کردن
 و در روایت ترغیب و ترهیب نقل از ترمذی از ابی ایوب لفظ الحیا یعنی شرم داشتن
 بدل النخاع واقع شده سنی و سوم آنچه در بنایه بر روایت بزرگ و بطرفی است الطهارات ربع
 فصل الشوارب و حلق العانة و تعلیم الاطفار و السواک یعنی طهارات چهار اندست کردن
 لبها و شستن موی عانة و تمشیدن ناخنها و مسواک کردن سنی و چهارم آنچه در درختها
 ثلث من اخلاق المرسلین تعجیل الافطار و تاخیر السجود و السواک یعنی سه چیز از خلقها
 مرسلین اندشتابی کردن در افطار و تاخیر کردن در سجود و مسواک کردن سنی و پنجم آنچه روایت
 کرد بخاری از ابی برده از پدرش قال اتیت النبی صلی الله علیه و سلم فوجدته لیسن لبسواک
 بیده یقول انا انا و السواک فی قمیه کانه یتنوع یعنی راوی گوید که آدم نبی صلی الله علیه
 و سلم را پس یافتیم او را که مسواک میکند بمسواکی که در دست شرفش بود و میگفت انا انا
 و مسواک در دهن مبارکش بود گویا آنحضرت تنوع میکرد سنی و ششم آنچه در بنایه بر روایت
 عقیلی و ابو نعیم از عایشه رضی الله عنها منقول است انها قالت کان اذا سافر حمل السواک
 و المشط و المحلاة و القارورة و المرأة یعنی بدرستی که گفت عایشه رضی الله عنها بود آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم وقتی که سفر میکرد بر میداشت مسواک و شانه و سرمه دان و شیشه و آئینه
 سنی و هفتم آنچه در بنایه بر روایت ابن ماجه از عایشه رضی الله عنها روایت است کنت اصنع له

تمت آیتها بطوره وانا السواک وانا الشراب یعنی نبودم من که می ساخته ام برای آنحضرت
صلی الله علیه وسلم سطر ظرف ظرفی برای آب وضوی او و ظرفی برای مسواک و و ظرفی برای
شراب اوستی و هشتم آنچه در ترغیب و ترهیب بروایت ابن ماجه از ابی امامه است آن
رسول الله صلی الله علیه وسلم قال تسوكونا فان السواک مطهرة للضم و مضاهة للرب جائز
جبریل الا اوصای بالسواک حتی لقد خشیت ان یفرض علی و علی امتی و لولای انی افان
ان اشق علی امتی لفرقتهم و انی لاشاک حتی خشیت ان احفی تقدیم فی بعض تحقیق
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود مسواک کنید پس بدستیکه مسواک کردن پاکست برا
وین خوشنود نیست برای پروردگارتانید مرا جبریل مگر در حالیکه او وصیت کرد بمسواک
کردن تا اینکه ترسیدم آنکه فرض کرده شود بر من بر است من اگر نه ترس میکردم آنکه سخت
میکردم بر است خود هر آینه فرض میکردم مسواک کردن بر آنها و بدستیکه هر آینه مسواک میکنند
تا اینکه می ترسم آنکه بر کنم پیش وین خود هستی و نعم آنچه در صحیحین از ابی هریره رضی الله عنه آمده
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم لولا ان اشق علی امتی لامرتم بتأخیر العشاء و المسواک
عند کل صلوته یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم اگر ترس آن نبود که سخت میکردم
بر است خود هر آینه امر میکردم آنها را یعنی فرض میکردم تأخیر عشاء و مسواک کردن در
هر نماز و در همان کتاب بروایت مالک احمد و نسائی و صحیح ابن خزمیه و حاکم و بخاری از رو
تعلیق در کتاب الصوم از ابی هریره چنین آمده لولا ان اشق علی امتی لامرتم بالسواک
مع کل وضوء یعنی فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر نه آنکه سخت میکردم بر است خود
هر آینه امر میکردم آنها را بمسواک کردن با هر وضوء و در روایت ابن خزمیه و حاکم و بخاری
عند کل وضوء آمده است و در روایت احمد و غیره عند کل وضوء آمده و در همان کتاب

بروایت احمد و طبرانی امام حسین است لولا ان اشق علی امتی لغضت علیه السلام السواک یعنی اگر آنکه سخت میکردم بر امت خود البته امر بغرضیت میکردم بر آنها مسواک کردن او در غایت عزیز

بروایت بزار و طبرانی از عباس بن عبد المطلب چنین مروی گشته لولا ان اشق علی امتی لغضت علیه السلام السواک عند کل وضوء کما لغضت علیه السلام الوضوء یعنی اگر نه آنکه سخت میکردم بر امت خود هر آینه فرض میکردم بر آنها مسواک کردن نزدیک هر نماز چنانچه فرض کردم وضوء او در همان کتاب

بروایت احمد از زینب بنت جحش چنین آمده قالت سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول لولا ان اشق امتی الامر بهم بالسواک عند کل صلوٰة لما یتوضؤون یعنی گفت زینب شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم را میفرمود که اگر نه آنکه سخت میکردم بر امت خود البته حکم میکردم آنها را برای مسواک کردن نزدیک هر نماز چنانکه وضوء میکنند چنانچه در مشکوٰة بروایت یحیی از

حذیفه آمده قال کان النبی صلی الله علیه وسلم اذا قام للتمجّد من اللیل لشیء فاه بالسواک یعنی حذیفه گفت رضی الله عنه بود نبی صلی الله علیه وسلم وقتیکه بر می خاست برای تجمّد از شب می مالید دهن شریف خود را بمسواک چنانکه در مشکوٰة بروایت ابی داؤد از عایشه رخ آمده است قالت کان النبی صلی الله علیه وسلم لیستاک فی عطین السواک لا غسله فابداً فاستاک

ثم غسله لوفعه البیع یعنی گفت عایشه رضی الله عنها با او آنحضرت صلی الله علیه وسلم مسواک میکرد پس میداد مرا مسواک که بشویم آنرا پس من شروع میکردم بان پس مسواک میکردم بستر می شویم آنرا و دفع میکردم آنرا بسواک آنحضرت صلی الله علیه وسلم چهل و دوم آنچه در غنیة مسلمی است از مطهر

للسیطان من غیره لئلا ینکف عن طهیرة ینزیدی احسن بدستیکه مسواک کردن باندن شیطان است و خوش کردن ملائکه می پوشد گناهان او زیاده میکنند در نیکو یا چنانچه در او را در افتخار نقلان

الکفایة بحیث روایت عایشه آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم کان لیستاک اول النهار و آخره و هم

صالحم بدرشتیکه نبی صلی الله علیه وسلم بود که مسواک میکرد اول بدوزه و آخر آن حالیکه او دوزه دار بود
چهل و چهارم آنچه در مشکوٰۃ الاصباح بر روایت ترمذی ابو داؤد و از عامر بن بعبده آمده قال روایت النبی
صلی الله علیه وسلم الا انی لم یسوک هو صالحم یعنی گفت عامر بن بعبده که دیدم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم آن مقدار که شمار کردن نمیتوانم که مسواک میکرد در حالیکه دوزه دار بود چهل و پنج آنچه در بنایه
بر روایت بزار آمده قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم خمس من سنن المرسلین الختان و التقليم
و الحجامة و السواک و التطهر یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پنج چیز از سننهای مرسلین
هستند یکی ختنه کردن دوم ناخن تراشیدن سوم خون کشیدن چهارم مسواک کردن پنجم
خوشبو مالیدن چهل و ششم آنچه در صحیح مسلم از عایشه نقل است که انما قال رسول الله صلی الله
علیه وسلم سواک و طهوره فبعثه الله ما شاء ان یبعثه فیتسوک و یتوضأ و یصلی یعنی عایشه میگوید
که بودیم که دنیا میکردیم بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم مسواک او را و آب وضوی او را پس
بر من انگشت او را خدای عزوجل بر قدر که میخواست آنکه بر انگیزاند او را پس مسواک میکرد
و وضو میکرد و نماز میخواند چهل و هفتم آنچه در فتح القدر و فرائد بر روایت بیهقی از انس نقل است
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یجوز من السواک الا صابغ یعنی کفایت میکند از مسواک
آنکه سه چهل و هشتم آنچه در امداد الفلاح و شرح شمنی قاری بر روایت طبرانی از عایشه صدیقہ
عنها روایت است قالت قلت یا رسول الله الرجل یندب فیه دیشاک قال نعم قلت کیف یصنع
قال یدخل صبعه فی فیه یعنی گفت ام لم یوشین عایشه که گفتم من یا رسول الله مردی که برود درین
دندان یا گوشت درین آیا او مسواک کند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری گفتم چگونه فرمود
داخل کند انگشت خود در دهن خود چهل و نهم آنچه در امداد الفلاح و شرح شمنی قاری بر مختار
رضی الله عنه روایت قال التثویین بالمسحیة الابهام سواک یعنی شستن با پانزده کردن دهن از

وینقیاد دست او پنجاه و سوم آنچه در شرح سفر السعاده نقل از احمد و ابی داود و عن عبد الله بن عامر
الغفیل و در مسند و ارجی از عبد الله بن عمر است قال قلت لاریت توضح ابن عمر کل صلوٰۃ طاهر او غیر طاهر
ذکر قال محدثه اسماء بنت زید بن الخطاب بن عبد الله بن خطابه بن عامر حدیث ان رسول الله صلی الله علیه و سلم
امر بالوضوء لکل صلوٰۃ طاهر او غیر طاهر لما شق ذلک علیه من السواک لکل صلوٰۃ و کان ابن عمر یرى ان
علی ذلک قوه فکان یأمر بالوضوء لکل صلوٰۃ یعنی با وی گوید گفت که خبر ده که وضو کرد این عمر رضی الله عنه بر
هر نماز طاهر یا بشاید یا غیر طاهر تعمیم کرد این گفت که حدیث کرد او را اسماء بنت زید بن خطاب که تحقیق عبد
بن خطابه بن عامر حدیث کرد که رسول خدا صلی الله علیه و سلم حکم کرده شد بوضو بر هر نماز طاهر یا
یا غیر طاهر پس هر گاه که دشوار کرده شد این کار براه حکم کرده شد بر وی مسواک نزدیک هر نماز بود و عبد
بن عمر رضی الله عنه می دید که او بر این کار قویست پس ترک نمیکرد وضو برای هر نماز استی تحقیق نمائید که
بست و دو سال میگذرد که این مسوده نوشته شده بود لیکن نوبت تبیین اکنون در راه رسید الا آخر
سید بکیر او دو صد و دوشش سوره ی نبوی رسید و انا بلغ الکلام الی هذا النظام فآخر دعوانا ان الحمد
رب العالمین و الصلوٰۃ علی سید المرسلین و آله الطاهرین و اصحابه الکاملین فقط

خاتمه

هزاران شک و سپاس بروردگار و فرزان درود و سلام بر نبی مختار و آل اطهار و اصحاب اخبار که
این رساله فیض مقاله در احکام و فضائل مسواک تصنیف عالم فاضل نبیل علامه گیاره خیر زمانه کشید
و قانون فرعی و اصله حلال معافه عقلی و نقلی مولانا الحافظ محمد ششوکت علی دام فیض الله علیه
بصحت تمام و اتمام این اقل نام محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد و ششخان مغفور در شهر
نظامی واقع کانپورا و اقل شهر جمادی الآخر ۱۲۸۳ هجری علیه انطباع پوشید و بابت تسام و برکتش

وجه مهر و دستخط بر خاتمه

برای سند اینجست که کتاب در مطبوع مطبع نظامی
است مهر و دستخط هتم در خاتمه افزوده شد

محمد روشن خان حنفی
محمد عبد الرحمن

صحنه غایت الادراک فی مسائل السوآک

بسم الله الرحمن الرحيم

عدم متکاثر و لغت متوافر در پرده مباد که برای کتاب قلمی یک غلطنامه کافی است چه
 به نسخ قلمی غلطنامه علی و میباشند و برای کتب مطبوعه یک غلطنامه برای جمله نسخ مطبوعه
 به مطبع کفایت نمی تواند کرد زیرا که منتهای کار این است که اگر چهار پنج نسخ مطبوعه پیش نظر
 سه غلطنامه طیار کرده شود پس آن غلطنامه بنابر همان چهار پنج نسخ کافی خواهد شد
 بی دیگر نسخ چه میتواند شد که حرفی و لفظی دیگر و نسخ باقی مانده صاف بر نیامده یا غلط گردیده باشد
 در صورت عدم الطباق غلطنامه با جمله نسخ مصحح و کاتب غلطنامه را معذور باید داشت

سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	غیره	غیره	۱۶	۴	اذا استیک	اذا استیک
۳	پای خاطر غلط	پای خاطر غلط	۱۶	۲	نظائر	نظائر
۱۳	یدل	تدل	۱۶	۲	ازن	از آن
۸	نبعته	فیبعته	۱۶	۸	کذا فی	فی
۱۰	لیثا	لیثا	۱۶	۱۶	وا فضل	والا فضل
۱۳	تبعنی	یتبعنی	۱۶	۱۹	لیخرج	لیخرج
۱۶	الخنصر	الخنصر	۲۲	۴	لشرح الوقایه	لشرح الوقایه

صفحه	سطر	عناط	صحیح
۲۲	۱۰	النخشة	النخشة
۲۹	۱۲	للظفر	للظفر
۳۲	۸	بسواک	مسواک
۳۴	۱۶	المشتقة	المشتقة
۳۶	۱۱	توضوع	توضوع
۳۶	۱۹	ناخن	ناخبا
۴۲	۳	متقدم	مقدم
۴۲	۸	فطروا	فطروا
۴۶	۹	چهارم	چهارم
تتمت			
۴۸	۵	الاوصای	الاواوص
۴۸	۱۲	والمسواک	وبالمسواک
۴۹	۵	کردم وضو را	کردم بر اینها
۴۹	۹	وضو میکند	وضو میکند
۴۹	۱۹	الکفایه المحیبه	کفایه المحیبه
۵۰	۳	لیسوک	یتسوک
۵۰	۹	فبعت الله	فبعت الله
۵۱	۹	بین سحری	وبین سحر

ش ۱۲ غ

DUE DATE

(R)

۲۹۶۶۳۹۱
۳۵۹

--	--	--	--

